



فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی

شماره هشتم، زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۴۷-۱

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷ فروزان رضائی ورمزیار^۱
محمود شرفی^۲

چکیده

دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن همه‌ی ارزش‌های متعالی اسلامی و فرهنگ قرآنی، برترین اندیشه‌های علمی، خلاقیت‌های ذهنی، نوآوری‌های علمی و تولیدات فکری در رفتار و شخصیت دانشگاهیان به مثابه الگوهای مطلوب اجتماعی پدیدار می‌گردد. هدف مقاله تبیین مولفه‌ها و شاخصه‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی است و از روش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی که در آن داده‌های جمع‌آوری شده از منابع اسلامی و منویات امام خمینی استفاده شده و با تحلیل یافته‌ها می‌توان گفت؛ بعد از انقلاب اسلامی و با اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها با مولفه‌های مطرح در اندیشه امام خمینی از جمله همراهی تعلیم و تهذیب در دانشگاه اسلامی، تعلیم و تعلم علم اسلامی... و همین‌طور شاخصه‌های دانشگاه اسلامی از دیدگاه امام خمینی شامل؛ ساختار فیزیکی دانشگاه، ساختار اداری و مدیریتی دانشگاه... دانست. با توجه به نکات مطرح‌شده می‌توان دریافت که دانشگاه‌ها تقریباً در اکثر زیرساخت‌ها دارای مشکلاتی می‌باشند. رشد تفکر جهانی، ارتباطات متقابل علمی، وابستگی سیاسی که ریشه در نیازمندی‌های علمی دارد و ایجاد شبکه‌های دیجیتالی و کثرت‌گرایی علمی می‌طلبد که ساختار آموزشی کشور تغییر داده‌شود.

کلمات کلیدی

دانشگاه اسلامی، مولفه، شاخصه، امام خمینی (ره)

۱- گروه علوم قرآنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Forazrezai57@gmail.com
۲- گروه مدیریت فرهنگی، مدرس دانشکده ارتباطات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) sh.garin95@chmail.ir

مقدمه و بیان مساله

انقلاب اسلامی که بارها مفروضات بدیهی انگاشته‌شده دنیای مدرن را در صحنه عمل و نظر بی‌اعتبار ساخته است، و شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دینی در قالب جمهوری اسلامی و بنای یک نظام سیاسی بر اساس اسلام را بیش از سه دهه نشان داده است امروز ضروری است که الگو و برنامه های خود را برای اداره تمام ارکان حکومت با توجه به آموزه های اسلام نشان دهد. برای رسیدن به این هدف ضروری است بین حوزه و دانشگاه وحدت و همکاری لازم بیش از پیش صورت گیرد.

آنچه مطرح است این است که باید میان حوزه و دانشگاه وحدتی فرا محیطی ایجاد شود. مهم این است که فرهنگ دینی حوزه در دانشگاه و فرهنگ جدید دانشگاه در حوزه باشد و اندیشه‌های این دو با هم مبادله شوند. تا بتوانند یک جامعه اسلامی مستقل از تفکرات و روشهای اومانستی بسازند. منظور از وحدت در اینجا اختلاط و امتزاج نیست، بلکه به معنای یک گونه عمل کردن و در یک مسیر قرار گرفتن است.

در این خصوص مقام معظم رهبری می فرمایند: "...وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی وحدت در هدف، هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته مستقل، جامعه امام، جامعه پیشاهنگ، جامعه الگو، ملت شاهد، ملتی که مردم دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عملشان پیاده کنند، حرکت نمایند..."

هدف ساخت جامعه و حکومت مبتنی بر نظرات اسلام، تولید علوم اسلامی مناسب با این فضا و تربیت نیروی انسانی مسلمان معتقد به این علوم جهت پیاده کردن آنها است.

ضرورت اسلامی سازی دانشگاه ها

انقلاب اسلامی که بارها مفروضات بدیهی انگاشته‌شده دنیای مدرن را در صحنه عمل و نظر بی‌اعتبار ساخته است، و شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دینی در قالب جمهوری اسلامی و بنای یک نظام سیاسی بر اساس اسلام را بیش از سه دهه نشان داده است امروز ضروری است که الگو و برنامه های خود را برای اداره تمام ارکان حکومت با توجه به آموزه های اسلام نشان دهد. برای رسیدن به این هدف ضروری است بین حوزه و دانشگاه وحدت و همکاری لازم بیش از پیش صورت گیرد.

آنچه مطرح است این است که باید میان حوزه و دانشگاه وحدتی فرا محیطی ایجاد شود. مهم این است که فرهنگ دینی حوزه در دانشگاه و فرهنگ جدید دانشگاه در حوزه باشد و اندیشه‌های این دو با هم مبادله شوند. تا بتوانند یک جامعه اسلامی مستقل از تفکرات و روشهای اومانستی بسازند. منظور از

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

وحدت در اینجا اختلاط و امتزاج نیست، بلکه به معنای یک گونه عمل کردن و در یک مسیر قرار گرفتن است.

در این خصوص مقام معظم رهبری می‌فرمایند: "...وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی وحدت در هدف، هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته مستقل، جامعه امام، جامعه پیشاهنگ، جامعه الگو، ملت شاهد، ملتی که مردم دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عملشان پیاده کنند، حرکت نمایند..."

هدف ساخت جامعه و حکومت مبتنی بر نظرات اسلام، تولید علوم اسلامی مناسب با این فضا و تربیت نیروی انسانی مسلمان معتقد به این علوم جهت پیاده کردن آنها است.

مبانی نظری

تاریخچه آموزش عالی در صدر اسلام

مورخین معتقدند دانشگاه "جندی شاپور" اولین دانشگاهی است که در شهر جندی شاپور (اهواز کنونی) در قرن چهارم و پنجم میلادی در ایران تاسیس شده است. این دانشگاه بیمارستانی با همین نام داشت که هم محل تحصیل طب بود و هم دارشفایی برای مریضان که به آن رجوع کنند. دروسی همچون؛ شیمی، زیست‌شناسی، علوم پزشکی، فلسفه در آن تدریس می‌شد.

بعد از ورود اسلام به سرزمین ایران، دانشگاه جندی شاپور به جا مانده از زمان پادشاهی ساسانیان آوازه ای بلند و رونقی چشمگیریافت و یکی از معروفترین دانشگاههای جهان شد. سپس مدارس با عنوان "نظامیه" و "بیت الحکمکه" از طریق خلفای وقت در بسیاری از شهرهای اسلامی گسترش یافت، از جمله در نیشابور و اصفهان، که زمینه گسترش مراکز عالی علمی در ایران را فراهم کرد.

در صدر اسلام مراکز آموزشی و علمی باید در راستای نظرات و اهداف دین اسلام و ساخت جامعه اسلامی مورد نظر حاکمان آن عصر شکل می‌گرفتند و برنامه ریزی‌های آموزشی خود را انجام می‌دادند.

البته جانشینان بعد از پیامبر مکرم اسلام (ص) نیز تربیت نیروی عالم و مسلمان واقعی را در دستور کار خود داشتند. و در هر برهه ای از زمان که شرایط تعلیم و تربیت در سطح فراگیر برایشان فراهم می‌شد شاگردان و دانشجویان فراوانی را تعلیم می‌دادند. به طوری که حضرت امام صادق علیه السلام بیش از ۴ هزار شاگرد عالم و فقیه در علوم اسلامی را تعلیم دادند. در واقع پایه های شکل گیری علوم اسلامی و تعلیمات اسلامی را ائمه هدی علیهم السلام بنا نهادند.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

بعد از شکل‌گیری انواع مدارس علمیه مانند نظامیه‌ها و بیت‌الحکمت‌ها در دوره‌های بعد، مراکزی با عنوان حوزه‌های علمیه در ایران رونق یافت، این مراکز محل تجمع عالمان و اندیشمندان بزرگ و مشهوری شد که به تعلیم و تربیت دانشجویان مشتاق علوم اسلامی و بلکه علوم طبیعی پرداختند. و برخی از این نیروها با توجه به خواست حکومت‌های وقت در ساخت جامعه اسلامی آن روز به کار گرفته می‌شدند.

از زمان خلفای عباسی ترجمه متون فلسفی و آثار اندیشمندان دیگر تمدن‌های بشری به خصوص از یونان و روم وارد سرزمین‌های اسلامی شد. در واقع این دوره را می‌توان شروع ورود علوم انسانی غیراسلامی به مراکز علمی و آموزشی مسلمانان نامید.

افرادی چون منصور عباسی، هارون الرشید، مامون عباسی از جمله حاکمان سرزمین‌های اسلامی بودند که نظام ترجمه‌ای متون غیراسلامی را بنا نهادند. این سرآغاز ورود علوم انسانی به متون درسی مسلمانان بود.

در سال ۲۰۱ هـ. ق. به دنبال ورود حضرت امام رضا (علیه السلام) به خراسان، و ورود حضرت معصومه (س) به قم، و سپس ورود امامزادگان بسیار به این شهر، موجب تحولات تازه در گسترش علوم اسلامی شیعی در ایران شد، و در کنار آن نقش به‌سزایی در تحکیم و گسترش حوزه علمیه و رفت و آمد و ارتباط علما و راویان و شاگردان برجسته ائمه هدی علیهم السلام داشت.

در قرن‌های پنجم و ششم در دوره سلجوقیان شهر قم، مرکزی بزرگ برای فقهای اسلامی بود و عده‌ای برای تحصیل به این شهر می‌آمدند و مدارس تاسیس شد که در سطوح عالی به آموزش فقیهان می‌پرداختند. شیخ عبدالجلیل رازی وضع علمی قم را در قرن ششم هجری شرح داده و می‌گوید:

"مدارس دینی قم، دارای وسایل کافی و علما و مدرسان و مفسران بزرگ می‌باشد و کتابخانه‌هایی پر از کتب فرقه‌های مختلف در آن وجود دارد. مدارس مانند سعد صلت، اثیر الملک، زین الدین، ظهیرالدین و... پر رونق بودند."

حوزه علمیه قم در دوره صفویه مورد توجه همگان مخصوصاً دولتمداران مسلمان آنزمان قرار گرفت و مدارس آباد شد و مدارس دیگر از نو بنا گردید و علمای بزرگ چون ملا صدرا، ملا محسن فیض، علامه لاهیجی، شیخ بهائی در آن جا مشغول تحصیل و تدریس شدند. قم در آن عصر، دارای حوزه علمیه فعال، مدارس و طلاب بسیار بوده، و علوم مختلف اسلامی تحصیل و تدریس می‌شد.

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

در عصر پادشاهی، قاجاریه و پهلوی کشورهای استعمارگر غربی از جمله پرتغال، ایتالیا، فرانسه و انگلیس حضور پر رنگ و بیشتری در نظام حکومتی ایران و تاثیرات بسیار زیادی در نظام آموزشی ایران در تمام سطوح برجای گذاشتند. همچنین سرسپردگی پادشاهان این دوره در برابر بیگانگان و بی‌کفایتی‌های آنها در اداره کشور، فاصله گرفتن زیاد از تعلیمات اسلامی شرایط را به جایی رساند که حوزه‌های علمیه و آموزه‌های آنها در سطح جامعه و جامعه‌سازی کم رنگ شد و پادشاهان با تاثیر از نظام آموزشی و فرهنگی مغرب زمین دانشگاه‌های جدیدی در ایران تاسیس کردند.

آموزش عالی نوین در ایران

بعد از آشنایی پادشاهان ایرانی در دوره قاجاریه و پهلوی با نظام آموزشی کشورهای چونی فرانسه، انگلیس و آمریکا دستور ساخت دانشگاه‌های جدید با الگوبرگیزی از نظام آموزشی آنها در ایران رونق یافت. البته در این دوره دیگر تدریس علوم اسلامی در دانشگاه‌ها انجام نمی‌شد. در واقع یک نظام آموزشی جدای از دینیا به عبارتی سکولار در دستور کار حاکمان بود. تلاش نمودند تا حوزه‌های علمیه از رونق بیفتد.

به جای علوم اسلامی از منابع و واحدهای درسی سکولار با رویکرد اومانستی به عنوان علوم انسانی استفاده شد.

تاریخ آموزش عالی در دوره نوین عموماً با تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸) هجری قمری آغاز می‌گردد. با این حال پیش از آن هم فعالیتهای متعددی برای کسب علوم و تخصص از خارج از کشور وجود داشت. بطور نمونه عباس میرزا بود که اول بار تعدادی دانشجوی بورسیه را جهت تحصیلات به فرنگ اعزام داشت.

پردیس و بناهای اولین دانشگاه نوین ایران توسط معماران اروپایی رولاند دوبرول، ماکسیم سیرو، مارکوف، آلكساندر موزر، آندره گدارد، و محسن فروغی طراحی گردید.

"وزارت علوم" در ایران اول بار در سال ۱۲۳۴ هجری شمسی تأسیس گردید، و علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه از سوی ناصرالدین شاه قاجار به سمت وزیری برگزیده شد. طولی نکشید که مدارس و موسسات برجسته آموزش عالی دیگر نیز همراه دارالفنون مشغول به کار گردیدند. از جمله می‌توان مدرسه نظام (تأسیس ۱۲۶۴) را نام برد. و نیز می‌توان از مدرسه علوم سیاسی (تأسیس ۱۲۷۸) را نام برد که زیر نظر وزارت امور خارجه وقت اداره می‌گشت.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

در سال ۱۳۱۱ بود که کالج آمریکایی‌ها که چند سال بعد به دستور رضاخان به دبیرستان البرز تغییر نام و تغییر سطح پیدا کرد. توسط دانشگاه ایالتی نیویورک رسماً پروانه تأیید (charter) یافت.

اولین دانشگاه جامع ایران

فکر تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۰۵ خورشیدی توسط دکتر سنک نماینده مجلس در مذاکراتی با سید محمد تدین پدیدار شد.

در سال ۱۳۱۰ خورشیدی وزیر دربار وقت، عبدالحسین تیمورتاش، از طرف رضاشاه، دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) را مامور کرد تا به ایالات متحده آمریکا سفر کرده و پس از مطالعه در «تاسیسات علمی دنیای جدید»، طرحی برای تاسیس دانشگاه در کشور به دولت تقدیم نماید. طرح دکتر صدیق مورد قبول کفالت وزارت معارف وقت، علی اصغر حکمت، قرار گرفت و سرانجام با پیگیری ایشان، دکتر علی اصغر حکمت، دکتر محمود حسابی و دیگران، سرانجام دانشگاه تهران در هشتم خرداد ماه ۱۳۱۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

این موسسه با ادغام کردن دارالفنون، مدرسه علوم سیاسی، مدرسه طب، مدرسه عالی فلاح و صنایع روستایی، مدرسه فلاح مظفر، اولین مدرسه کشاورزی در ایران، مدرسه صنایع و هنر تأسیس توسط کمال الملک، مدرسه عالی معماری، مدرسه عالی حقوق، و چند مرکز آموزش عالی دیگر تهران در پردیسی در جنوب پارک لاله فعلی تهران دایر گشت. این دانشگاه بر اساس موسسات آموزش عالی فرانسه الگوبرداری شد و حتی طراحان ساختمان‌های دانشگاه تهران مهندسين فرانسوی بودند.

دانشگاه اسلامی در ۱۰۰ سال اخیر

دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن همه‌ی ارزشهای متعالی اسلامی و فرهنگ قرآنی، برترین اندیشه‌های علمی، خلاقیت‌های ذهنی، نوآوری‌های علمی و تولیدات فکری در رفتار و شخصیت دانشگاهیان، به مثابه الگوهای مطلوب اجتماعی پدیدار می‌گردد و این دانشگاه به عنوان ارزشمندترین، پویاترین و رفیع‌ترین منبع فرهنگی، محل توجه و مورد تأسی همه‌ی قشرهای جامعه، به ویژه نوجوانان می‌شود. چرا که اساسی‌ترین رسالت دانشگاه، در کنار دانش‌افزایی عمومی و تربیت و تأمین کارشناس و نیروی متخصص مورد نیاز نهادها و دستگاه‌های مختلف کشور؛ همانا انجام پژوهشها و چالشهای علمی و تلاش در جهت به دست گرفتن سرنخ علوم و فنون نو، تکیه بر کرسیهای رشته‌های گوناگون علمی، تولید فکر تازه و افزودن حلقه‌های جدید به زنجیره‌ی فرآورده‌ها و یافته‌های تحقیقاتی و علوم دنیای معاصر است.^۱

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

به طور کلی ۴ دوره را در خصوص طرح این موضوع در ایران در طول ۱۰۰ سال اخیر می‌توان نام برد:

موج اول

رویکرد اصلی دانشگاهها در دوره پهلوی جدایی کامل بین علم و دین و سیاست و دین بود. در حالی که بسیاری از مردم ایران در آن زمان کاملا دین مدار و دین خواه بودند و این نوع اقدامات را هرگز نمی‌خواستند. مخالفت‌های مردم و علمای مسلمان به طرق مختلف انجام می‌شد، تا اینکه هیئت حاکمه برای اداره اوضاع حکومت خود به تاسیس دانشگاهی به نام "دانشگاه اسلامی" در سال ۱۳۴۳ رو آورد، با توجه به رویکرد ضد دینی نظام شاهنشاهی و اشاعه اسلام آمریکایی یعنی اسلامی که برگرفته از تعلیمات ناب محمدی نبود بلکه التقاطی از فرهنگهای ملحدانه و برخیتعلیمات اسلامی بود از سوی نظام حاکم، بسیاری از علمای اسلام شناس و به خصوص بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به شدت با تاسیس چنین دانشگاهی مخالفت کردند. ایشان راجع به تأسیس "دانشگاه اسلامی" چنین فرمودند: "می‌خواهند آقایان (خنده دارد واقعا) دانشگاه اسلامی تأسیس کنند. شنیده‌ام چندین میلیون هم بودجه برایش درست کرده‌اند. شما اگر برای اسلام دلسوز هستید خوب این دانشگاه ما مدرسه فیضیه ی قم آنجاست، چرا خرابش می‌کنید؟ اگر شما واقعا متوجه بودید که اسلام لازم است بودنش، احکام اسلام باید باقی باشد. علمای اسلام باید باقی باشند، ما به خیر شما هیچ امیدی نداریم، بابا شر نرسانید."

در واقع "دانشگاه اسلامی" در زمان طاغوت پهلوی هم مطرح شد که به نوعی ترویج اسلام التقاطی و آمریکایی و جایگزین کردن آن به جای اسلام ناب محمدی بود، که علمای اسلام شناس به شدت با آن مخالف بودند.

موج دوم

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سقوط نظام طاغوتی شاهنشاهی تغییر و تحول بسیاری از مراکز حکومتی و غیرحکومتی متناسب با قانون اساسی و خواسته‌های مردم اسلام خواه ایران امری اجتناب ناپذیر بود.

یکی از مراکزی که کانون توجه قرار داشت دانشگاه و سیستم حاکم بر آن بود. زیرا تمام متون دانشگاهی، نظام ارزشیابی، و جهت‌گیری استفاده از علوم گوناگون در کشور همه در خدمت نظام استبدادی شاه و امپریالیستی آمریکا بود. لذا با توجه به نظرات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

حضرت امام خمینی (ره) از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تغییر در تمام ارکان نظام آموزش عالی در ایران در دستور کار قرار گرفت. ایشان فرمودند:

"معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. عزیزان من! ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی ترسیم، آن چیزی که ما را می ترساند وابستگی فرهنگی است، ما از دانشگاه استعماری می ترسیم، ما از دانشگاهی می ترسیم که جوانهای ما را آن طور تربیت کنند که خدمت غرب بکنند."^۲

با توجه به رهنمود ایشان ستادی با عنوان "شورای انقلاب فرهنگی" در سال ۱۳۵۸ شکل گرفت، که مسئول مستقیم ایجاد تحولات اساسی در سیستم دانشگاهی کشور شد.

دو ایدئولوژی رایج بر فضای فکری دانشگاههای کشور در آن زمان عبارت بودند از: کمونیسم و لیبرالیسم که با ایدئولوژی اسلام تضادهای بسیار زیادی داشتند. تمام کتب درسی دانشگاهی مخصوصا علوم انسانی برگرفته از آندو ایدئولوژی بودند. علاوه بر آن دانشگاهها در اوایل انقلاب اسلامی محل تجمع بسیاری از گروههای معارض با شکل گیری یک نظام اسلامی بود و تقریبا روزانه درگیری های مختلفی بین طرفداران تفکرات گوناگون در دانشگاهها شکل می گرفت و هر گروهی به دنبال جذب افراد بیشتری برای تحمیل خواسته های خود به نظام تازه شکل یافته آن روز بود، در نهایت "شورای انقلاب فرهنگی" برای ایجاد نظم و آرامش و تغییرات فرهنگی مناسب با نظام اسلامی تازه شکل یافته، به مدت دو سال (۱۳۶۱-۱۳۵۹) دستور تعطیلی دانشگاهها را صادر کرد.

در این مدت شورای مذکور با همکاری جمعی از اندیشمندان و صاحب نظران به بررسی کتب درسی، صلاحیت اخلاقی، سیاسی، علمی، دانشجویان و اساتید آن زمان پرداخت و فعالیت هر نوع حزب و گروهی در دانشگاهها را که قصد معارضا با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشتند ممنوع اعلام کرد. نتیجه عملکرد این شورا به شرح ذیل بود:

تغییر محتوای برخی کتب درسی به خصوص رشته های علوم انسانی، اخراج اساتید و دانشجویان سلطنت طلب شاهنشاهی، تعیین اساسنامه ای متناسب با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای ثبت نام دانشجویان، اساتید، کارمندان جدید، حذف مطالب درسی کمونیستی و لیبرالیستی که تضاد آشکاری با آموزه های اسلامی داشتند، ممنوعیت فعالیت تمام گروههای سیاسی معارض نظام اسلامی از دانشگاهها، و غیره.

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

بعد از دو سال تعطیلی (۱۳۶۲-۱۳۵۸) مجدداً دانشگاهها باز شد و تربیت نیروی انسانی عالم و معتقد به نظام اسلامی و کوشا برای ساخت جامعه اسلامی در دستور کار دانشگاهیان قرار گرفت.^۳ اگر چه این دستاوردها در آن زمان با توجه به نوپا بودن نظام اسلامی مفید بود اما باز هم خالی از اشکالات و کمبودهایی نبود که در آینده بیشتر خود را نشان داد.

موج سوم

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تقریباً اسلامی سازی دانشگاهها از اولویت علمی برخوردار بود. در این خصوص سخنان مقام معظم رهبری (مدظله) اهمیت موضوع را بیشتر روشن می کند، ایشان می فرمایند:

"البته نکته‌ی مهم در دانشگاهها، روش حاکم بر دانشگاه است. در دانشگاهها، روشها و روابط، باید صد درصد اسلامی بشود که البته تا حدود زیادی شده است و مدیریتهای باید برای اسلام در دانشگاهها، اصالت قایل بشوند. مادامی که دانشگاه، پرورشگاه متخصصان مسلمان و متعهد نباشد، دانشگاه مطلوب انقلاب نخواهد بود. و این نمی‌شود، مگر این که اساس و روش و سیستم در دانشگاهها اسلامی باشد. درسها، هر چه که می‌خواهد باشد؛ استاد، هر کس که می‌خواهد باشد؛ اما روابط، باید روابط اسلامی باشد؛ یعنی مدیر و دانشجویان و استادان، اصالت را به اسلام بدهند و رعایت احکام اسلام را بکنند. علم و دانش هم اسلامی و از اسلام است؛ و آلاً به دانشگاه رفتن و مقداری از بیت‌المال و امکانات مردم را مصرف کردن، و بدون این که یک نفر به علم دل بدهد و به فراگیری اهمیتی بدهد، فقط برای این که بتواند سرهم‌بندی، تکه کاغذی به دست بیاورد و در سایه‌ی آن شغلی بگیرد، تا پولی گیر بیاورد - نه این که شغلی بگیرد، تا کاری بکند این که اسلامی نیست. دانشجو هم اگر این طور درس بخواند، اسلامی نیست. استاد هم اگر این طور درس بدهد، اسلامی نیست. روابط اسلامی در دانشگاه این است؛ و آلاً جوانان و دختران و پسران ما بحمدالله مسلمانند."^۴

این موضوع نشان می دهد تمام خواسته های نظام اسلامی از دانشگاه و دانشگاهیان در زمان "انقلاب فرهنگی" محقق نشده بود و لذا بازنگری های جدیدی ضرورت داشت.

در جای دیگری مقام معظم رهبری می فرمایند: "آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نواندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن،

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

دانشجویان و کلّ محیط علمی هم است. البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلاء نمی‌رساند. بنابراین جرأت علمی لازم است. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرأت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیره جزمی گری تعریف‌های علمی القاء شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند.^۵

سال ۱۳۷۶ شورای اسلامی شدن دانشگاهها از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئول شد، تا در جهت تهیه برنامه های مدون برای پیشبرد هر چه بهتر اسلامی سازی دانشگاهها تلاش کند. در دانشگاهها گروههای معارف اسلامی شکل گرفت و به عنوان دروس عمومی در کنار دروس رشته های تخصصی تدریس می شد.

اما این رویکرد هم بسیاری از مشکلات حکومت اسلامی و جامعه اسلامی ایران را رفع نمی کرد. به عنوان مثال: فلسفه اسلامی بسیاری از علوم اصلا شناخته نشده بود، لذا جهت گیری و کاربرد علوم تامین کننده نیازهای جامعه اسلامی نبود.

اما تا این مقطع زمانی هیچ نوع الگو و تحقیقات جامعی تهیه نشد و همچنان برخی نیازهای روزانه دانشگاهیان به تغییرات جزئی در متون درسی به خصوص در سطح کتب دروس عمومی معارف اسلامی مورد توجه بود.

موج چهارم

در سال ۱۳۸۲ بعد از سخنان مقام معظم رهبری و مطالبه نهضت جنبش نرم افزاری از دانشگاهیان بار دیگر توجه همگان را به خود جلب کرد. این بار تولید محتوای علوم دینی مناسب با مقتضای زمان ضرورت بیشتری از خود نشان می داد.

در حال حاضر که دوباره موضوع اسلامی شدن دانشگاهها از سوی مسئولین وزارت علوم و تحقیقات در کشور مطرح شده است، طرح جامع و کاربردی جهت ایجاد تحولی اساسی در دانشگاهها تهیه نشده است.

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

دبیر شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱ در این خصوص می‌گوید: "تا الان هم، هنوز چیزی به اسم نقشه‌ی اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی وجود ندارد. طبیعتاً رفتن از وضع موجود دانشگاه به سمت وضع مطلوب که دانشگاهی با ویژگی‌ها و مختصات یک دانشگاه اسلامی است احتیاج به یک نقشه‌ی راه دارد، نقشه‌ای که تمام مبانی، مقاصد، اهداف، اصول و موازین حاکم بر این حرکت را مشخص کند. همچنین سهم، نقش و جایگاه دستگاه‌های مرتبط با این فرایند تحولی و تکاملی را مشخص کند. ما متأسفانه یک چنین نقشه‌ای را تا الان نداشته‌ایم. در دو سال گذشته تلاش ما بر این بود که مطالعات مقدماتی را در رسیدن به این نقشه انجام دهیم و کارهای اولیه هم تقریباً انجام گرفته است. امید ما این است که تا یکی دو سال آینده از یک نقشه مناسب برخوردار باشیم و آن را مبنای سیاست‌گذاری فرایند اسلامی سازی در دانشگاهها، در دو مورد اسلامی شدن علم که همان تولید علم دینی است و توسعه و ترویج دین در حوزه فرهنگ یعنی نزدیک کردن آیین رفتاری، بینشی و منشی دانشگاهها، به الگوی فرهنگ اسلامی قرار دهیم."^۶

به نظر می‌آید "موضوع اسلامی شدن دانشگاهها" با توجه به مراحل گذشته هنوز تا رسیدن به سر منزل مقصود نهایی راهی بس طولانی باید طی کند.^۷

رسالت و وظایف دانشگاه اسلامی

دانشگاه اسلامی رسالت و وظایف بس خطیر در حوزه‌های مختلفی چون: نیروی انسانی، برنامہ داری آموزشی، تولیدات علمی، فن آوری و... دارد که مهم ترین محورهای آن به شرح زیر است:

۱. جذب نخبگان: انتخاب دانشجویان برجسته و با استعداد از نظر اخلاقی و علمی، استادان عالم، مومن و مهذب دارای استقلال فکری؛
۲. تقویت ایمان و غیرت دینی، رشد اخلاق اسلامی و تهذیب نفس از راههایی مانند ایجاد فضای سالم اعتقادی و اخلاقی و ارائه آموزه‌ها و الگوهای عملی؛
۳. اصلاح و ارتقاء مستمر و توسعه برنامه‌ها و محتوای آموزشی، پژوهش محور کردن آموزشها، کارآمد کردن برنامه‌ها و دروس و تاسیس دوره‌های آموزشی جدید در راستای اهداف و براساس نیازسنجی از جامعه خصوصاً "درمقاطع تحصیلات تکمیلی؛
۴. تقویت پژوهش به ویژه در جهت تحقق نظامهای معرفتی برپایه تعالیم اسلام، گسترش مرزهای علوم اسلامی و تحقیقات میان رشته‌ای بین علوم اسلامی و علوم انسانی / اجتماعی و ارائه دستاوردهای آن؛

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

۵. رشد فزاینده علمی از راههایی مانند تقویت فضای برخوردار از نشاط، انگیزه، خلاقیت و آزاد اندیشی علمی، دانش پژوهی، ترویج روحیه نقادی، انتقاد پذیری و رسیدن به تفاهم، ایجاد بنیه لازم برای کسب مدارج علمی بالاتر و تسهیل دستیابی به منابع علمی و اطلاعات؛

۶. ارتقاء کیفیت مدیریت دانشگاه باتوجه به مقتضیات و تحولات علمی، اجتماعی و فناوری، تقدم کیفیت بر کمیت برون دادها، مشارکت دانشگاهیان و تخصیص بهینه امتیازات و تسهیلات برپایه اهداف و نظام ارزشیابی؛

۷. تنظیم و تقویت مستمر ارتباط با سایر مراکز علمی، به ویژه مراکز علمی همسو و استفاده کنندگان از خدمات و دستاوردهای دانشگاه شامل مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی، نهادها و دستگاههای نظام جمهوری اسلامی ایران، عموم مردم ایران اسلامی و کشورهای اسلامی و سایر کشورهای جهان؛

۸. استفاده از فن آوریهای جدید برای بالا بردن سرعت، دقت و کارآمدی آموزش و پژوهش و تسهیل ارتباطات علمی، باتوجه به مقتضیات و نیازهای جامعه، (باین تاکید که فناوری همواره نقش ابزاری برای تحقق رسالت دانشگاه داشته باشد)؛

۹. متعهد بودن دانش و دانشگاهیان درقبال عدالت، حرمت و کرامت انسانی، حفظ نعمتهای الهی و محیط زیست و مشکلات و آلام بشری؛

۱۰. متعهد بودن دانش و دانشگاهیان درقبال افزایش انسجام اجتماعی، برادری، محبت، نظم اجتماعی، وجدان کار، تعهد پذیری و کاهش و رفع مشکلات جامعه از راههایی مانند بررسی مستمر نیازها و تغییر و تحولات اجتماعی، کاربردی کردن تحقیقات بنیادی، ارایه راهکارهای علمی و عملی برای برطرف کردن نیازهای متنوع، متحول و فزاینده جامعه، مقابله با تهاجمات فکری و فرهنگی از موضع تفکر اسلامی، هدایت جامعه به سمت خوداتکایی و افزایش مشارکت مردم در اعتلای نظام اسلامی؛^۸

ابعاد و اهداف اسلامی کردن دانشگاه ها

۱- تحول در متون و رسیدن به علم دینی

از ضروری ترین کار در تحقق دانشگاه اسلامی، تغییر متون موجود در زمینه علوم انسانی است که در چهار مرحله قابل اجرا می باشد.

الف) تغییر در مبانی علوم و تصحیح آنها^۹

ب) قرار گرفتن دین به عنوان مقام گردآوری تئوریها

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

ج) قرار گرفتن دین به عنوان مقام داوری تئوری‌ها^{۱۰}

د) ارائه تبیین غایی از پدیده‌ها^{۱۱}

۲- توانمندسازی اساتید دانشگاه

راهکار دوم در اسلامی شدن دانشگاه‌ها توانمندسازی اساتید دانشگاه‌ها به ویژه در حوزه علوم انسانی و آشنایی آنها با اندیشه اسلامی است. بدون داشتن اساتید معتقد به اندیشه اسلامی، تغییر در متن، ما را به نتیجه مطلوب نمی‌رساند.

بحمدالله مراکز مختلفی مانند موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و... گام‌هایی در این جهت برداشته‌اند، اما:

یک: مناسب است که از این مراکز دعوت شود تا ضمن شنیدن برنامه‌های آنها، بر نقاط قوت، تاکید و کمک شود که نقاط ضعف برطرف شود.

دوم: با استقبال گسترده‌ای که در میان اساتید از این طرح شده است، مناسب است که از جهت محتوایی که در این دوره‌ها ارائه می‌شود، بازبینی دقیقی صورت گیرد، تا بتوان از این فرصت به دست آمده برای نظام مقدس جمهوری اسلامی استفاده درستی کرد.

سه: مناسب است از مسئولین مختلف از جمله بسیج اساتید دعوت شود، تا ضمن آشنایی با دیدگاه‌های آنها، بتوان در تحقق هدف مذکور گام‌های جدی‌تری برداشت.

چهار: آشنا و توانمندسازی اساتید دانشگاه‌ها نباید به آنچه که در طرح‌هایی چون طرح ضیافت و معرفت، منحصر شود بلکه باید در این مسیر برنامه‌ریزی دقیقی انجام گیرد، برای نمونه، می‌توان گذراندن کلاس‌های فکری را شرط جذب اعضای جدید هیئت علمی و نیز ارتقا از یک رتبه به رتبه دیگر دانست، علاوه بر اینکه در طول سال، می‌توان با ارائه کتب تخصصی موجود - که متاسفانه بسیار کم است - با اساتید در ارتباط بود.

پنج: یکی از کارهای بسیار ضروری و جدی آن است که دانشگاه تربیت مدرس به جایگاه اصلی و هدف اصلی از تاسیس خود، یعنی پرورش و تربیت اساتید معتقد به اسلام و نظام مبارک اسلامی بیش از پیش توجه کند.

متاسفانه می‌توان گفت که دانشگاه تربیت مدرس، نتوانسته است به وظیفه اصلی خود عمل کند، بر این اساس دانشگاه باید پس از برنامه‌ریزی دقیق برای رسیدن به هدف مذکور، دانشجویان جدید را مطابق برنامه‌ای که مدون شده است، جذب کند.

۳- بازآموزی و تربیت فکری و اخلاقی دانشجویان کشور

از کارهای ضروری دیگر در جهت تحقق دانشگاه اسلامی، تربیت دانشجویان کشور براساس اندیشه اسلامی است. آنچه که تحت عنوان کتب و درس‌های معارف در دانشگاه وجود دارند، کافی نیست، و نتوانسته است از جهت اساتید مربوطه و نیز کتب موجود، هدف فوق یعنی کادرسازی افراد معتقد به اندیشه اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را تحقق بخشد.

بر این اساس مسئولانی که مسئولیت برگزاری این طرح کشوری را به عهده دارند، باید نقاط قوت و ضعف این طرح را مشخص و با هماهنگی مسئولان دانشگاه ها، ضعف های آن برطرف نمایند.

۴- تغییر در ظواهر دانشگاه‌ها

از امور ضروری دیگر، تغییر در ظواهر دانشگاه‌ها است. ظاهر حاکم بر دانشگاه‌ها باید متناسب با آموزه های اسلامی باشد، و ضوابط شرعی در برخوردها باید رعایت گردد. روابط حاکم میان استاد و دانشجو، دانشجو و استاد و نیز دانشجویان با همدیگر از دو جنس مخالف نباید خارج از چهارچوب ضوابط شرعی صورت گیرد.

البته واضح است با توجه به وضعیت موجود در دانشگاه‌ها، تحقق چنین هدفی بسیار دشوار است. مناسب است عدالت آموزشی رعایت شود و وضعیت جذب دانشجویان، با در نظر گرفتن عدالت از حیث محیط جغرافیایی، استعدادها و نیازها تنظیم شود.

ویژگی‌های دانشگاه اسلامی از منظر امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) دانشگاه را «مبدا» همه تحولات کشور می دانستند و امام خامنه ای(مدظله العالی) نیز دانشگاه را «پایگاه انقلاب اسلامی» می دانند؛ با توجه به اهمیتی که دانشگاه دارد و نقشی که می تواند در جامعه ایفا کند، رهبران انقلاب اسلامی از همان آغاز به فکر برنامه ای جدی و حساب شده برای این پایگاه مهم بودند.

امام خمینی(ره) چه قبل از انقلاب اسلامی و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر اسلامی شدن دانشگاه ها تاکید می‌ورزیدند و دانشگاه وابسته به غرب و شرق را نه تنها برای ملت مفید نمی دانستند، بلکه آن را به ضرر کشور و ملت عنوان می کردند.^{۱۲}

برخی از مهمترین این ویژگی ها عبارتند از:

- همراهی تعلیم و تهذیب در دانشگاه اسلامی

- تعلیم و تعلم علم اسلامی

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

- مدیریت اسلامی

- خودباوری و اتکا به خود

- وجود آرامش در محیط دانشگاهی

علم و فناوری از دیدگاه امام خمینی (ره)

دانش اندوزی از محورهای مورد تاکید بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که به اقتضای نگاه معنوی و تعالی نگر خویش، به پیروی از آموزه‌های اسلامی و پیشوایان معصوم دین جایگاه رفیعی را برای دانش و جویندگان آن قائل بود، هر چند در این میان رعایت شروطی را همچون تربیت و تهذیب ضروری می‌دانست.

برخی از پیام‌های امام خمینی (ره) در این مقوله که می‌تواند چراغ راهی برای دانش پژوهان باشد، به شرح ذیل است:

۱. علم یک حقیقت غیرمتمناهی است، و انسان اگر در تمام عمر هم تحصیل علم را بکند باز به آخر نرسانده است. و لهذا سزاوار است که انسان در تمام مراحل عمر مشغول تحصیل علم باشد. یعنی همه محتاجیم به اینکه از یکدیگر چیز یاد بگیریم. همه محتاج به تعلیم و تربیت علمی هستیم. (صحیفه امام جلد ۱۶)

۲. آیات قرآن کریم آن قدر راجع به علم و راجع به دانش سفارش فرموده است که شاید در سراسر کتب دیگر نباشد. اسلام با تخصص، با علم، کمال موافقت را دارد، لکن تخصص و علمی که به خدمت ملت باشد؛ در خدمت مصالح مسلمین باشد. (صحیفه امام جلد ۱۴)

۳. با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید، که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آنقدر خاطره آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامی‌های دیگر را از یاد می‌برد. بشریت با همه پیشرفت‌هایش در علوم و فنون هنوز در گهواره طفولیت دانش است، و تا رسیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است. (صحیفه امام جلد ۲۱)

۴. علم تنها اثر ندارد؛ بلکه گاهی مضر است. عمل بدون علم بی‌نتیجه است. علم و عمل دو بالی است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند. (صحیفه امام جلد ۸)

۵. میزان علم را خدای تبارک و تعالی به وسیله انبیا ذکر فرموده است. و واقع مطلب همین است که **اَلْعِلْمُ نُورٌ** نور علم نوری است که خدا در قلوب مردم وارد می‌کند اگر نورانیت آورد برای انسان، این علم

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

است. و اگر حجاب شد برای انسان، آن علم نیست، آن حجاب است «أَلْعِلْمُ هُوَ الْحِجَابُ الْأَكْبَرُ» (صحیفه امام جلد ۱۳)

۶. درس خواندن تنها انسان را در جند الهی وارد نمی‌کند. علم تنها - خصوصاً علم‌های قانونی - رسمی انسان را به مراتب انسانیت نمی‌رساند؛ باید باشد، لکن در جنب آن باید توجه به غیب باشد. درس را برای خدا بخوانید. از صفر شروع کردید؛ و امیدوارم تا غیرمتناهی بروید؛ و بروید تا برسید به آنجا که غیر از خدا کسی را نبینید. (صحیفه امام جلد ۸)

۷. تمام این ضررهایی که بشر می‌بیند، تمام این خسران‌هایی که بشر در این سیاره می‌بیند، از دست همین عالم‌هایی هستند که تخصص را دارند، لکن تربیت را ندارند. (صحیفه امام جلد ۱۳)

۸. در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه است. و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست و همه شماس است. (صحیفه امام جلد ۱۹)

۹. اسلام کوشش دارد که علم را در مغزهای مستقل، در مغزهایی که به طرف شرق و غرب نیستند، در مغزهایی که به اسلام فکر می‌کنند، بار بیاورد. و این استقلال است که می‌تواند کشور ما را مستقل کند. استقلال کشور ما منوط به استقلال همین دانشگاه‌ها و فیضیه‌هاست. دانشگاه و فیضیه دست به دست هم بدهند و استقلال کشور خودشان را حفظ کنند. (صحیفه امام جلد ۱۴)

واکاوی مناسبات علم و دین از منظر امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) ضمن اشاره به اقسام سه گانه علم (آیه محکمه، یا فریضه عادلانه، یا سنت قائمه)، به علم نافع و علم مذموم اشاره کرده و راه شناسایی آن را ارائه می‌دهد و به هماهنگی علم و ایمان و تخصص و تعهد تأکید می‌کنند.

علم و دین، به عنوان مهم‌ترین مجرای هدایت بشر، در زمان‌های متمدنی کنار هم قرار داشته و نقش اساسی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا نموده‌اند و ارزش و اعتبار هیچ کدام قابل انکار نیست. نسبت علم و دین در طول تاریخ برای پژوهشگران و مفسران متون دینی کامبیش مطرح بوده و اوضاع فکری سده بیستم نگاهی ویژه و سیمایی تازه بدان بخشیده و ابهام‌هایی را در دل پژوهشگران پدید آورده است. در دنیای غرب، پس از قرون وسطا و بروز جریان مدرنیسم، بحث از جایگاه دین در زندگی و رابطه آن با علم، بخصوص پس از تحولات علوم جدید، مسئله‌ای بود که بسیار مورد توجه قرار گرفت و نظریات مختلفی در این باب مطرح شد. البته روح غالب این نظریات ناظر به محدود کردن دین بوده است.

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی ورمزبیار و شرفی

۱. نقد اندیشه تعارض علم و دین

امام خمینی قدس سره به عنوان یکی از متفکران مسلمان تأثیرگذار معاصر، بارها بر هماهنگی و تعاضد علم و دین تأکید کرده و بر ضرورت هوشیاری در مقابل تبلیغات شیطننت آمیز اندیشه جدایی علم و دین و عدم توانایی دین در اداره ملت‌ها و کشورها اصرار ورزیده‌اند. نیز به این نکته مهم که قوانین دینی و اسلامی بر معیار علم و عدل پی ریزی شده است، توجه نموده‌اند. ایشان در فرازی از وصیت نامه الهی - سیاسی می فرمایند:

«از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصا در دهه‌های معاصر و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آشکارا به چشم می خورد، تبلیغات دامنه دار و با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و بخصوص ملت فداکار ایران، از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است، نمی تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند و یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی مودیانه و شیطننت آمیز، به گونه ای ادر شکل و لباس اطرف داری از قداست اسلام می باشد. اسلام و دیگر ادیان الهی با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه سروکار دارند که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می کند و حکومت و سیاست و سررشته داری، برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است؛ چه اینها تمام برای تعمیر دنیاست و آن مخالفت، مسلک انبیای عظام است و مع الاسف، تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیون و متدینان بی خبر از اسلام، تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می دانستند و شاید بعضی بدانند و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود.» (علیرضا اسماعیلی، وصیت نامه الهی - سیاسی امام، ص ۲۰-۲۱)

امام خمینی (قدس سره) در نقد اندیشه تعارض علم و دین و اسلام و سیاست می فرماید: «گروهی هستند که باید گفت از حکومت و قانون و سیاستی اطلاع ندارند و یا غرض مندانه خود را به بی اطلاعی می زنند؛ زیرا اجرای قانون بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگران و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کجروی‌ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استبعاد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود.» (همان، ص ۲۲)

ایشان کلام خویش را با ذکر مثال‌هایی پی می‌گیرد که به نوعی بیان استدلال به صورت برهان خلف نیز می‌باشد که اگر تفکر «تعارض میان علم و دین، و اسلام و سیاست» را بپذیریم و بخواهیم آن را به عنوان اسلوب کلی قبول کنیم دچار مفاسد بسیاری می‌شویم: «این دعوی به مثابه آن است که گفته شود: قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانداده شود. اگر در صدر خلقت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده و ادعای آنکه اسلام با نوآوری‌ها مخالف است، همان سال که محمدرضا پهلوی می‌گفت که اینان می‌خواهند با چهارپایان در این عصر سفر کنند، یک اتهام ابلهانه بیش نیست؛ زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوری‌ها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد، بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشن‌فکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند، گرچه غرب و شرق زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می‌کنند.» (همان، ص ۲۳)

۲. ریشه‌های جدانگاری علم و دین از منظر امام خمینی (قدس سره)

امام خمینی (قدس سره) در راستای تحلیل تصور جدایی علم و دین، به بررسی ریشه‌های ایجاد و گسترش این تفکر می‌پردازند.

۲-۱. نقش استعمار در جدایی علم و دین

امام خمینی (قدس سره) با آگاهی کامل از نقش سیاست‌های استعماری در جدایی علم و دین و نیز جوانان دانشگاهی از روحانیان می‌فرمایند: «تاکنون دست خیانت استعمار به وسایل مختلفه، فاصله عمیق بین طبقه جوان و مسائل ارجمند دین و قواعد سودمند اسلام ایجاد نموده و طبقه جوان را به روحانیون و اینها را به آنها، بد معرفی نموده و در نتیجه، وحدت فکری و عملی از بین رفته و راه را برای مقاصد شوم اجانب باز نموده است و تأسف بیشتر، آنکه همین دستگاه‌های مزبور نگذاشته‌اند طبقه تحصیل کرده به احکام مقدسه اسلام بخصوص قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن توجه کنند

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

و با تبلیغات گوناگون وانمود نموده اند که اسلام جز احکام عبادی مطلبی ندارد، در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی آن بیشتر از مطالب عبادی آن است.» (علیرضا اسماعیلی، همان، ص ۳-۲۰)

امام خمینی (قدس سره) با تأکید بر شناسایی ریشه استبداد و استعمار و تلاش طبقه تحصیل کرده در برانداختن آن، به دانشگاهیان سفارش می‌کند برای شناخت اسلام، مطالعه کنند و تحت تأثیر تبلیغات مغرضانه اجانب واقع نشوند: «اینجانب اکنون روزهای آخر عمر را می‌گذرانم و امید دارم که خداوند تعالی به شما طبقه تحصیل کرده توفیق دهد که در راه مقاصد اسلامی که یکی از آن، قطع ایادی ظالمانه و برانداختن ریشه استبداد و استعمار است کوشش کنید و قوانین آسمانی اسلام را که برای تمام شئون زندگی از مبدأ وحی نازل شده است و عملی تر و سودمندتر از تمام فرضیه هاست مطالعه کنید و در تحت تأثیر تبلیغات مغرضانه اجانب واقع نشوید.» (صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۵۵)

۲-۲. تبلیغات گسترده علیه منادیان دین

امام خمینی (قدس سره) ضمن تأکید بر هماهنگی منادیان علم و دین، به تبلیغات دامنه دار چند صدساله علیه دین و منادیان دینی اشاره کرده و یکی از ریشه های جدانگاری حوزه و دانشگاه را همین تبلیغات مسموم می‌دانند: «مطالعات دقیق اجانب استثمارگر در طول تاریخ به آن رسیده که باید این سد [روحانیت] شکسته شود و تبلیغات دامنه دار آنها و عمال آنها در چند صدسال موجب شده که مقداری از روشن فکران را از آنها جدا و به آنها بدبین کنند تا جبهه دشمن، بی معارض شود.» (همان، ج ۳، ص ۳۲۵)

امام خمینی (قدس سره) در اینجا به تقریر پاسخ از اشکالی مقدر می‌پردازند. اشکال مزبور این است: «ما در بین روحانیان افرادی را می‌بینیم که بی صلاحیت هستند و با نام دین دست به فساد می‌زنند؛ پس تبلیغات علیه روحانیت خیلی هم بی اساس نیست.» امام قدس سره هم در پاسخ، اصل امکان وجود بعضی افراد ناصالح را قبول می‌کنند، لیکن نوع روحانیت را صالح و مورد احترام می‌دانند. (ر.ک: امام خمینی، جهاد اکبر)

ایشان می‌فرمایند: «اگر احیانا در بین آنها کسانی بی صلاحیت خود را جا بزنند، لکن نوع آنها در خدمت هستند، به حسب اختلاف موقف و خدمت آنها ملت را پایبند اصول و فروع دیانت نموده، به رغم اجانب و عمال آنها باید این قدرت را تأیید و حفظ نمود و با دیده احترام نگریست.» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۲۵) به باور امام خمینی قدس سره، «روحانیت قدرت بزرگی است که با از دست دادن آن، خدای نخواستہ، پایه های اسلام فرو می‌ریزد و قدرت جبار دشمن، بی معارض می‌شود.» (همان)

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

۲-۳. اختلاف انداختن بین دانشگاهی و روحانیت با هدف جلوگیری از پیشرفت کشور

امام خمینی (قدس سره) یکی از ریشه‌های جدانگاری علم و دین و دانشگاه و حوزه را اختلافاتی می‌داند که بین آنها می‌اندازند. ایشان درباره منشأ مصیبت‌ها خطاب به دانشگاهیان می‌فرمایند: «این مصیبت‌هایی که الان ما می‌کشیم و کشیدیم، برای این بوده است که از هم جدا بوده ایم. ما و شما در یک مجمعی با هم صحبت نکردیم که ببینیم چه می‌گوییم، شما چه می‌گویید. ما با قضات دادگستری از هم جدا بودیم، ما با دانشگاه از هم جدا بودیم، دانشگاهی‌ها را آنها جوری کرده بودند که ما به آنها بدبین بودیم و ما را جوری کرده بودند که آنها به ما بدبین بشوند، ما از هم جدا بودیم...» (همان، ج ۶، ص ۲۳۸) «دانشگاهی را با دانشگاه‌های ما از هم جدا کردند، آنها، اینها را یک جور طرد می‌کردند و اینها [آنها را]، که تفصیلش زیاد است.» (همان، ص ۸۹) امام خمینی قدس سره به ضرورت شناسایی این عوامل و دفع آن به دست حوزه و دانشگاه تأکید می‌کنند. (همان)

ایشان از این معضل به شکل دیگری نیز تعبیر می‌کنند و آن هم جداسازی دو مرکز حساس حوزه و دانشگاه است. امام خمینی (قدس سره) در این باره می‌فرماید: «مراکز علمی و فرهنگی قدیم و جدید و روحانیون و دانشمندان فرهنگی و طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها و دانشسراها دو قطب حساس و دو مغز متفکر جامعه هستند و از نقشه‌های اجانب، کوشش در جدایی این دو قطب و تفرقه اندازی بین این دو مرکز حساس آدم ساز بوده و هست. جدا کردن این دو مرکز، در مقابل یکدیگر قرار دادن آنها و در نتیجه، خنثا کردن فعالیت آنان در مقابل استعمار و استثمارگران از بزرگ‌ترین فاجعه‌های عصر حاضر است.» (همان، ج ۱۰، ص ۸۲) ایشان در نهایت، این معضل را فاجعه بسیار خطرناک می‌شمارند و می‌فرمایند: «فاجعه‌ای که ما و کشور ما را تا آخر به تباهی و نسل جوان ما را که ارزنده‌ترین مخازن کشور است، به فساد می‌کشند.» (همان)

امام خمینی (قدس سره) هدف اختلاف افکنی را ممانعت از وحدت حوزه و دانشگاه می‌داند: «اساس این بود که اسلام را از بین ببرند، تاریخ اسلام را به اسم اینکه ما خودمان یک کذایی هستیم، تاریخ اسلام را می‌خواستند از بین ببرند، موفق نشدند. همه چیز را اینها می‌خواستند از بین ببرند، موفق نشدند. همه چیز را اینها می‌خواستند از بین ببرند، اسلام را ضعیف‌کنند و مردم را از آنها بی‌طرف اسلام کار می‌کردند یا کارشناس اسلام بودند جدا کنند، به اسم اینکه اینها مرتجع هستند. از این طرف هم دانشگاهی‌ها یک دسته فکلی آنجا نشستند برای خودشان چه می‌کنند، به ما می‌آمدند این طور تزیق می‌کردند که اینها یک دسته بی‌دین و ریش تراش و فکلی، به شمار می‌آمدند. از آن طرف، می‌گفتند اینها یک دسته انگلیسی‌اند... می‌خواستند وحدت کلمه‌ای که امکان داشت بین این دو قشر

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) ارضائی و مرزبان و شرفی

متفکر پیش بیاید، نگذارند. خدا خواست که در یک برهه از زمان، این دو قشر با هم شدند، هر دو یک قصد داشتند، هر دو یک مطلب داشتند و حالا باز همان قضایا [آرامی خواهند پیش بیاورند، باز دانشگاهی‌ها را از مدارس قدیمه جدا کنند.]» (همان، ج ۱۲، ص ۲۴)

ایشان همچنین در همین باب فرمودند: «در دانشگاه می رفتند، این طوری گفتند که این روحانیون را... یا می گفتند درباری اند، یا می گفتند انگلیس‌ها درستشان کردند، یا می گفتند اینها افیونند، مثل افیون می خواهند مردم را خواب بکنند تا آنها بچاپند و گاهی هم برای تمام ادیان این را می گفتند که "اصلاً دین افیون جامعه است. این دین مردم را خواب می کند. همان طور که افیون، انسان را بی حال می کند، اینها هم مغزهای مردم را تهی می کنند تا آنها بچاپند." در طرف ما که می آمدند می گفتند که یک مشت بی دینند اینها. این دانشگاهی‌ها یک مشت فکلی بی دین، یک مشت بی اعتقاد به همه چیز. این طور این دو قشر را از هم جدا نگه می داشتند، به جهت اینکه هر کدام به دیگری بدبین بود. شاید شماها یادتان باشد که در دانشگاه اسم "آخوند" را نمی شد بیاوری. شعارها شاید در آنجا نوشته می شد بر ضد قرآن، بر ضد اسلام، بر ضد روحانیون، منتها جوان‌ها غافل بودند، ما هم غافل بودیم. همه غافل بودند که نقشه است. نقشه این است که این دو تا قدرت از هم جدا باشند و دشمن هم باشند. خودشان به سر و کله هم بزنند و ما برداریم و بخوریم!» (همان، ج ۹، ص ۲۳۳)

۲-۴. ترویج نظریه جدایی دین از سیاست

امام خمینی (قدس سره) یکی از ریشه‌های جدانگاری علم و دین و حوزه و دانشگاه را، تفکر انحرافی جدایی دین از سیاست می دانند: «این معنا که دین از سیاست جداست، این مطلبی است که استعماری‌ها انداخته اند در ذهن مردم و می خواهند به واسطه این، دو فرقه [آرامی] هم جدا کنند؛ یعنی آنهایی که عالم دینی هستند علیحده شان کنند و آنهایی که غیر عالم دینی هستند علیحده شان کنند.» (همان، ج ۶، ص ۲۰۲) امام خمینی (قدس سره) بر عینیت سیاست و دیانت و هوشیاری حوزه و دانشگاه در برابر تفکر انحرافی سکولاریستی تأکید می کردند.

۲-۵. بی‌خبری مریبان تربیتی از اسلام

امام خمینی (قدس سره) یکی دیگر از ریشه‌های جدانگاری علم و دین را بی‌خبری از اسلام و عدم تعهد به قوانین اسلامی و اخلاقی می دانند و ریشه اصلی بدبینی جوانان به اسلام و عدم تربیت صحیح آنها را، عدم آگاهی مریبان آنها از اسلام برمی شمردند: «آنهایی که در تربیت بچه‌ها وارد بودند، اصلاً کاری [نداشتند] به اینکه این بچه تربیت اسلامی بشود تا یک روح بزرگ پیدا بکند که تحت سلطه

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

اجانب واقع نشود و تحت سلطه داخل هم واقع نشود. وقتی اینها خودشان تعهد اسلامی نداشتند، بچه‌های ما هم همان طور تربیت می‌شوند، گروه گروه در دانشگاه‌ها می‌رفتند و گروه گروه از دانشگاه‌ها بیرون می‌آمدند و از اسلام خبری نبود و از تعهد اسلامی و اخلاق اسلامی خبری نبود.» (همان، ج ۱۴، ص ۳۴۵)

۲-۶. تفکر دوگانه باطل سراپا شرقی یا غربی

امام خمینی (قدس سره) یکی از ریشه‌های جدایی علم و دین را القای تفکر سراپا شرقی یا غربی می‌داند و در این باره می‌فرماید: «درد این است که کشور ما را آن طور در این سنین زیادی که خارجی‌ها پا باز کردند به آن و خصوصا در این ۵۰ سال دوره سیاه پهلوی آن طور تبلیغات کرده بودند و کردند که آنها می‌خواهند در ذهن ملت ما و جوان‌های ما متمرکز کنند که ایران، اسلام از عهده اینک‌هیچ علمی را، تخصصی را، یک صنعتی را ایجاد کند عاجز است... می‌گویند که باید ما در تمامی چیزها از سرتا به پا غربی بشویم ۲۸ یا شرقی باشیم.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۵۸)

امام خمینی (قدس سره) ضمن تأکید بر ضرورت انقلاب فرهنگی و القای اینکه دشمن می‌گوید اینها (روحانیت) با تخصص مخالفند می‌فرماید: «خیر، ما با تخصص مخالف نیستیم، ما با علم مخالف نیستیم، با نوکری اجانب مخالفیم. ما می‌گوییم که تخصصی که ما را به دامن آمریکا بکشد یا انگلستانیا به دامن شوروی بکشد یا چین، این تخصص، تخصص مهلک است، نه تخصص سازنده. ما می‌خواهیم متخصصینی در دانشگاه تربیت بشوند که برای ملت خودشان باشند، نه برای کشاندن دانشگاه به طرف شرق یا غرب.» (همان، ص ۳۵۹)

۲-۷. آموزش‌های شرقی و غربی در دانشگاه‌ها

از منظر امام خمینی (قدس سره) یکی از ریشه‌های جدایی دانشگاه‌ها از دین، آموزش‌های شرقی و غربی است: «اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصا غربی‌ها و اخیرا آمریکا و شوروی قرار گرفت و زبان‌ها و قلم‌های غرب زدگان و شرق زدگان آگاهانه یا ناآگاه و اساتید غرب زده و شرق زده دانشگاه‌ها در طول مدت تأسیس دانشگاه‌ها خصوصا دهه‌های اخیر این خدمت بزرگ را برای غرب و شرق انجام دادند... هجوم دانشجویان پس از طی کردن دوره‌های تحصیلی با آموزش‌های غربی و شرقی در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های ایران به سوی غرب و اسیان شرق که رهاوردی جز فرهنگ غربی و شرقی نداشت، چنان فاجعه‌ای به بار آورد که همه ابعاد جامعه ما را بی‌قید و شرط وابسته، بلکه تسلیم به

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

ابرقدرت‌ها کرد، به طوری که جامعه ما با ظاهری ایرانی - اسلامی محتوایی سرشار از غرب و شرق زدگی داشت.» (همان، ج ۱۵، ص ۲۴۳-۲۴۴)

ایشان به انحراف تاریخی فرهنگ ما اشاره می‌کند و می‌فرماید: «البته انحراف فرهنگ ما ریشه تاریخی دارد و ما امروز مواجهیم با استادان و معلمان بر پایه همین تربیت و با فرهنگ غربی که با مصالح اسلام و کشور ما به هیچ وجه وفق داده نمی‌شود. تمام وابستگان و انگل‌های خارجی، زاینده شده از این دانشگاه غربی بوده‌اند. اجانب با فعالیت خود، مدارس و دانشگاه‌های ما را از محتوا خالی کردند.» (همان، ص ۳۰۹)

ایشان توصیه می‌فرمایند که این نظام دانشگاهی باید به گونه‌ای تغییر کند که انسان‌های فارغ‌التحصیل از آن، برای جامعه خود مفید باشند: «باید یک مملکتی که عهده دار تربیتش دانشگاه است، چه دانشگاه روحانی و چه دانشگاه شما، عهده دار انسان‌سازی باشد، که وقتی این جوان‌ها از دانشگاه بیرون آمدند انسان بیرون آمده باشند؛ غربی نباشند؛ اسلامی باشند. غربی بودن ملازم با همان معانی است.» (همان، ج ۸، ص ۹۷)

۳. علم جدای از دین از منظر امام خمینی (قدس سره)

امام خمینی (قدس سره) ضمن تأکید بر نارسایی‌های علم و نیاز بشر به دین، بر این باور است که علم بدون ایمان، منشأ بسیاری از شقاوت‌ها می‌شود: «اگر گمان کنید یا گمان کنیم که علم منشأ سعادت است، ولو هرچه باشد، اینیک اشتباهی است، بلکه گاهی علم منشأ بسیاری از شقاوت‌هاست.» (همان، ج ۷، ص ۴۶۷)

ایشان ضمن تأکید بر ارزش علم همراه با دین درباره فساد علم بدون دین و ایمان می‌فرماید: «آن چیزی که ملتها را می‌سازد فرهنگ صحیح است. آن چیزی که دانشگاه را بارور می‌کند که برای ملت مفید است، برای کشور مفید است، آن عبارت از آن محتوای دانشگاه است، نه درس است. صنعت ما عداً ایمان فساد می‌آورد، علم ما عداً ایمان فساد می‌آورد؛ اِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ فَسَدَ الْعَالَمُ. هر چه علم بیشتر شد، فسادش هم بیشتر است. اهل جهنم از تعفن عالم به ایذا دارند، اذیت می‌کشند. عالمی که ایمان دارد آن است که خدا تعریفش می‌کند، پیغمبر تعریفش می‌کند، اسلام تعریفش می‌کند.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۱۵۴)

۴. سنخ‌شناسی علم نافع از منظر امام خمینی (قدس سره)

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

امام خمینی (قدس سره) در شرح حدیث بیست و چهارم، در کتاب چهل حدیث بحثی مفید در راستای انواع علوم می‌نمایند. اصل حدیث از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مسجدی داخل شد، ناگاه جماعتی را مشاهده فرمود که اطراف مردی دور می‌زنند. فرمود: «چیست این؟» گفته شد: «عَلَمَه است.» فرمود: «چیست عَلَمَه؟» گفتند به او: «داناترین مردم است به نسب های عرب و وقایع آن و روزگار جاهلیت و اشعار عربی.» فرمود پیغمبر: «این علمی است که از جهل او ضرر و زینتی نرسد و از علم او سودی حاصل نشود. همانا علم منحصر است به سه چیز: آیه محکمه، یا فریضه عادلانه، یا سنت قائمه. (نشانه استوار یا واجب راست یا سنت پابرجا) و غیر از اینها زیادت است.» (ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۲؛ محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی‌جمهور احسانی، عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۷؛ شهید ثانی، منیه المرید، ص (۱۱)

امام خمینی (قدس سره) ضمن اشاره به اقسام سه گانه علم، به علم نافع و علم مذموم اشاره کرده و راه شناسایی آن را ارائه می‌دهد و به هماهنگی علم و ایمان و تخصص و تعهد تأکید می‌کنند: «بدان که بسیاری از علوم است که بر تقدیری، داخل یکی از اقسام ثلاثه است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ذکر فرمودند؛ مثل علم طب، تشریح، نجوم، هیئت و امثال آن، در صورتی که نظر آیت و علامت به سوی آنها داشته باشیم. و علم تاریخ و امثال آنها، در صورتی که با نظر عبرت به آنها مراجعه کنیم. پس آنها داخل شوند در "آیه محکمه" که به واسطه آنها علم به اللّٰهیا علم به معاد حاصل یا تقویت شود، و گاه شود که تحصیل آنها داخل در "فرضیه عادلانه" و گاه داخل در "سنت قائمه" شود. و اما اگر تحصیل آنها برای خود آنها یا استفادات دیگری باشد. پس اگر ما را از علوم آخرت منصرف نمودند، به واسطه این انصراف بالغرض، مذموم شوند، و آلا ضرر و نفعی ندارند، چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند. پس کلیه علوم تقسیم می‌شوند به سه قسمت: انسان عاقل پس از آنکه فهمید که با این عمرهای کوتاه، وقت کم و موانع و حوادث بسیار نمی‌تواند جامع جمیع علوم و حایز همه فضایل شود، باید فکر کند که در علوم، کدام یک به حال او نافع تر است و خود را به آن مشغول کند و تکمیل آن نماید و البته در بین علوم آنچه به حال حیات ابدی و زندگانی جاویدان انسان نافع است، بهتر از همه است و مهم تر از جمیع آنهاست و آن علمی است که انبیا (علیهم السلام) و اولیا امر به آن نمودند و ترغیب به آن کردند و آن عبارت از علوم ثلاثه است، چنانچه ذکر شد.» (امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۳۹۶-۳۹۷)

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

در یک تقسیم بندی دیگر، امام خمینی (قدس سره) علوم را به طور مطلق به دو قسم دنیایی و اخروی تقسیم کرده و می‌فرماید: «علوم مطلقا منقسم می‌شود به دو قسمت: یکی علوم دنیایی که غایت مقصود در آنها، رسیدن به مقاصد دنیویه است و دیگر علوم اخروی که غایت مقصد در آنها، نیل به مقامات و درجات ملکوتیه و وصول به مدارج اخروی است و پیش از این اشاره شد به اینکه غالبا امتیاز این دو نحوه علم، به امتیاز نیت و مقصود است.» (همان، ص ۴۱۲) توضیح اینکه کمال و نقص اعمال، تابع کمال و نقص نیت است؛ چراکه نیت صورت فعلیه و جنبه ملکوتیه عمل است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در این رابطه می‌فرماید: «النَّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ.» (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۸۴) بنابراین، بر اساس این تقسیم بندی، این نیت انسان است که درجه و اعتبار علوم (دنیوی و اخروی) را مشخص می‌کند.

۵. وحدت علم و دین، مهم ترین عامل برای رشد و تعالی انسان

امام خمینی (قدس سره) ضمن تأکید بر هماهنگی علم و دین، به عنوان عقل و شرع برای نیل انسان به زندگی شرافتمندانه، به نقشه های شوم استکبار اشاره کرده، می‌فرماید: «از جمله نقشه ها که مع الاسف، تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشته و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است.» (علیرضا اسماعیلی، همان، ص ۳۲) امام خمینی (قدس سره) جامعه را به تکیه بر تعالیم دینی و الهی تشویق می‌کند و معتقد است: پیشرفت و توسعه مادی با همراهی اندیشه های پاک دینی متضمن سعادت بشر خواهد بود. باری، امام خمینی (قدس سره) همواره سعادت و نجات را در پرتو وحدت علم و دین می‌داند و می‌فرماید: «...باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی، شما را به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به وضع وابستگی ها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی، خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسان های شبیه به اینان به آن رسیده اند، شما هم خواهید رسید، به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب.» (همان، ص ۳۵)

یافته ها

۱. شاخصه های دانشگاه اسلامی

۱- ساختار فیزیکی دانشگاه:

امروزه بحث تأثیر دیدگاه‌های فلسفی و ارزشی در سبک‌های معماری و هنری امری پذیرفته شده است. وقتی به ساختار فیزیکی اماکن مذهبی ادیان مختلف نگاه شود به خوبی می‌توان تأثیر نگرش‌های دینی طراحان و سازندگان را در ساخت آن مشاهده نمود. بنابراین حتی در بحث ساختار فیزیکی دانشگاه، نیز می‌توان از دینی و اسلامی بودن آن به نحو معناداری صحبت کرد.

۲- ساختار اداری و مدیریتی دانشگاه:

روشن است که نظام عقیدتی و ارزشی در سبک مدیریت تأثیر گذار است. بنابراین از این حیث نیز می‌توان بحث معنا داری در زمینه دانشگاه اسلامی داشت.

۳- اساتید دانشگاه:

در این قسمت نیز بحث اسلامی شدن معنا دار است. اینکه هدف استاد از تدریس چه باشد؟ اینکه تا چه اندازه به اخلاق حرفه‌ای خود پایبندی نشان می‌دهد؟ و ... همه در شکل‌گیری فضای کلی دانشگاه تأثیر می‌گذارد. البته در اینجا باید بین دو بحث تمایز قائل شد: اینکه استاد با جهت‌گیری اسلامی و غیر اسلامی وجود دارد و اینکه چگونه باید در راستای دانشگاه اسلامی با اساتید تعامل داشت؟ این مسئله در جای خود قابل بحث خواهد بود.

۴- دانشجویان:

در این قسمت هم بحث از هدف تحصیل، تعهدات اخلاقی دانشجویان نسبت به تحصیل و ... مطرح بوده و این امور به گونه‌ای هستند که دینی و اسلامی می‌تواند صفتی برای آنها قرار گیرد.

۵- کتب درسی:

اینکه چه مباحثی و به چه شکلی در کتاب‌های درسی طرح شوند مسئله‌ای بسیار اساسی است. برخی می‌پندارند که کتب درسی به طور دقیق بازگو کننده یافته‌های دانشمندان می‌باشد. چنین تلقی‌ای موجب گردیده که دانشجویان آنچه را که در کتب درسی مطرح شده است، بی‌چون و چرا بپذیرند و قدرت نقد و بررسی از آنها سلب گردد. این بحث در کتب درسی علوم انسانی به طور بسیار جدی مطرح است و به همین دلیل بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بحث انقلاب فرهنگی مطرح شد و بازبینی کتب درسی دانشگاهی در دستور کار قرار گرفت و سازمان تدوین کتب درسی دانشگاه‌ها (سمت) متولی پیگیری این مسئله شد و مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه نیز در راستای همین امر تأسیس گردید. اینکه عملکرد این مؤسسات در راستای اسلامی کردن کتب درسی چگونه

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

بوده است؟ بحثی است که در جای دیگر باید به آن پرداخت. اما به نظر می‌رسد اصل بحث یک کار بسیار ضروری بود. دانشجویان باید به نحو سیستماتیک متوجه شوند که آنچه توسط دانشمندان مطرح شده است متأثر از دیدگاه‌های ارزشی و بینشی آنها بوده و با تغییر این مبانی ممکن است، ایده‌های جدیدی به دست آید. خلاصه کلام آنکه متون درسی در یک دانشگاه اسلامی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که علاوه بر ارائه دیدگاه‌های علمی روز، به مبانی فلسفی و ارزشی آنها نیز اشاره شده و مناسبات آن با دین اسلام مورد توجه قرار گیرد.

در مورد سایر عناصر ساختاری دانشگاه نیز می‌توان همین بحث معنا داری و امکان تحقق را مورد بررسی قرار داد.

۶- فراگیری علم:

یکی از کارکردهای دانشگاه، فراگیری علم است. برخی از سؤالاتی که در این زمینه قابل طرح می‌باشد، عبارت است از: چه علمی را باید فرا گرفت؟ علم را به چه هدفی باید فرا گرفت؟ چه کسی چه علمی را فراگیرد؟ روشن است که اسلام در پاسخ به این سؤالات موضع خاصی دارد و دنبال کردن آن موضع می‌تواند به فراگیری علم در دانشگاه ما سمت و سویی اسلامی ببخشد. باز هم در اینجا باید دو مسئله: الف) نحوه استخراج دیدگاه اسلام در پاسخ به این سؤالات و ب) تأثیر گذار بودن دیدگاه‌های ارزشی و فرهنگی در پاسخ به این سؤالات را از هم تفکیک کرد.

۷- ترویج علم:

پس از فراگیری علم مسئله ترویج علم مطرح می‌شود. در اینجا هم همان سؤالات قابل تکرار است؟ چه علمی را و به چه منظوری و در چه گستره‌ای باید ترویج کرد؟

۸- تولید علم:

این بحث امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در راستای نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، بحث‌های نظری گسترده‌ای قابل طرح است: در راستای تولید چه علمی باید گام برداشت؟ آیا دین (به معنای عام آن) یا اسلام (به معنای خاص آن) می‌تواند در زمینه تولید علم نقشی برعهده داشته باشد؟ و به بیان دیگر آیا علم دینی ممکن است؟ در صورتی که بتوان اثبات کرد که علم دینی ممکن است، بی‌شک یکی از شاخصه‌های دانشگاه اسلامی آن خواهد بود که در زمینه تولید علم دینی گام بردارد.

۹- حل مسایل اجتماعی:

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

یکی دیگر از کارکردهای دانشگاه در یک جامعه، حل مسایل و مشکلات مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و... می‌باشد و از آنجا که هر جامعه‌ای علاوه بر مسایلی که در کل جهان عمومیت دارد، با مسایل و مشکلات مخصوص خود روبروست، بنا بر این تلاش جهت حل این قبیل مسایل و مشکلات می‌تواند یکی از شاخصه‌های دانشگاه اسلامی به حساب آید.^{۱۳}

۲. معیارهای دانشگاه اسلامی

الف) بعد ظاهری

در بعد ظاهری دانشگاه سه مؤلفه نقشی اساسی را ایفا می‌کنند، که دو مؤلفه آن با توجه به تعاملات فرد در اجتماع معنا پیدا می‌کند:

۱. تعظیم شعائرالله

در دانشگاه اسلامی باید شعائر و ظواهر اسلامی رعایت شود. اگر کسی وارد این دانشگاه شود و با سنن و شعائر اسلامی آشنایی داشته باشد، آن را اسلامی تشخیص دهد و بلکه باید شعائر الهی به حکم آیه «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/۳۲)، با عظمت یاد شوند. صرف وجود نمازخانه در دانشگاه، نصب پارچه نوشته برای تبریک اعیاد و یا تسلیت گویی شهادت کفایت نمی‌کند. اکتفا به این گونه کارها جزء مصادیق تعظیم شعائرالله نیست، بلکه باید علاوه بر اینکه نماز به جماعت برگزار شود و صدای اذان در دانشگاه طنین انداز شود، در اعیاد و یا شهادت مراسم برگزار شود، نمایشگاه برپا شود و... روح دین داری و دین باوری بر رفتار و منش دانشگاه و دانشگاهی حاکم باشد.

۲. روابط اجتماعی

دین اسلام در حوزه اجتماعی به دنبال پی ریزی جامعه ای است که در آن اصول انسانی و ارزش های معنوی حاکم باشد. این ارزش ها و اصول در روابط اجتماعی افراد، از خانواده تا سطوح کلان جامعه، تبلور پیدا کند. در حیات اجتماعی، اخلاق یک رکن است. رفتارهای اجتماعی باید بر اساس اخلاق بنا شوند. حقوق فقط حد و مرزها را مشخص می کند تا به حریم خصوصی کسی تجاوز نشود. بنابراین، جامعه ی آرمانی مد نظر اسلام، جامعه ای اخلاق محور است که جامعه ای حداکثری است. نه فقط قانون محور که به حداقل نگاه می کند اگرچه گاهی همان هم دیده نمی شود.

۳. حریم روابط زن و مرد

از مجموع آیات و روایات وارده درباره حریم روابط زن و مرد این نکات را می توان استخراج کرد:

(۱) التزام و تعهد زن و مردم نسبت به فروگرفتن چشم (نور: ۳۰ و ۳۱)

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

۲) التزام و تعهد زن به رعایت حدود شرعی در پوشش: زنان در مواجهه با نامحرم باید جز صورت و کف دست‌ها تمام اندام خود را بپوشانند (احزاب: ۵۹)؛ (نور: ۳۱)

۳) در سخن گفتن باید به گونه‌ای برخورد کنند که موجب تحریک و تهییج نباشد (احزاب: ۳۲)

۴) در تعاملات اجتماعی نباید به خودنمایی کردن و تبرج پرداخت (احزاب: ۳۳)؛ (قصص: ۲۵، نور: ۳۱)

۵) زن و مرد نامحرم در صورتی که محرمی با آنها نباشد، باید از خلوت اجتناب ورزند (یوسف: ۲۳)

در چگونگی و حدود و ثغور روابط زن و مرد باید سعی کرد تا به حد نیازی که کار مشترک آنان ایجاب می‌کند، کفایت شود نه بیش از اندازه، به تعبیر شهید مطهری «اسلام می‌گوید: نه حبس نه اختلاط، بلکه حریم».^{۱۴}

بنابراین اگر بر روابط دانشجویان و همچنین فضای محیط دانشگاهی اصل «معروف» حاکم باشد و حریم عفاف و حیا رعایت شود، لزومی بر تفکیک جنسیتی بین دانشجویان نیست.

ب) بعد باطنی

دانشگاه در جامعه اسلامی هنگامی می‌تواند کارکردی مثبت داشته باشد که در تحقق اهداف اسلام مؤثر باشد. نبی اکرم (ص) نقطه نهایی و غایت علم را دستیابی به شناخت و معرفت حقیقی عالم می‌داند: علمی که قرار است در دانشگاه اسلامی عرضه شود باید در راستای تعالی طلبی حرکت کند و اصالت را به رشد معنوی انسان که حقیقتاً خلأ آن در جهان معاصر مشاهده می‌شود بدهد. در حالی که، علوم وارداتی سکولار، توسعه طلب هستند و این توسعه طلبی که در چارچوب عقلانیت مدرن صورتی صرفاً دنیوی دارد، با اسلامیت نظام ما و اهداف بلند تمدنی‌ای که به دنبال آن هستیم، ناسازگار است. بنابراین حفظ ظواهر برای تحقق دانشگاه اسلامی به تنهایی کافی نیست. چیزی که برای دانشگاه اسلامی در درجه اول مهم است، بعد باطنی و محتوایی آن است که حاکمیت بینش و منش اسلامی بر افراد آن حاکم است و نگرش به قضایایک نگرش الهی است. «عنصر محوری دانشگاه، علم است. اگر علم اسلامی شد، دانشگاه هم اسلامی می‌شود. آیت الله جوادی آملی در نقد این تلقی می‌فرماید: اسلامی کردن دانشگاه‌ها به آن نیست که مظاهر و برنامه‌های اسلامی و دینی به محیط و فضای دانشگاه‌ها وارد کنیم... اسلامی کردن علوم در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و صاعد و هماهنگ دیدن حوزه‌های معرفتی و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات است.^{۱۵}

ج) کارکرد

کارکرد علم را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد:

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

۱. تأثیر گذاری علم بر عالم (کارکرد معنوی)

غفلت زدگی و تجاوزگری از ویژگی‌های بارز علوم سکولار است. انسان با این علوم در گام نخست، آیت بودن و نشانگری علم را به فراموشی سپرد و بعد به مصداق آیه «نساء: ۱۹» «فانساهم انفسهم» (حشر: ۱۹)، خویش را فراموش کرد و پس از آن، به طبیعت و جوامع انسانی روی آورد و با غفلت از حقیقت و حقوق آنها، تجاوزگری را پیشه خویش ساخت. اما قرآن با دعوت انسان به علم به معنای شناخت آیه ای که خداشناسی و تدبر در آیات الهی است، خودشناسی عرفانی و عالم‌شناسی ملکوتی را به انسان می‌آموزد و راه شکوفایی و بهبود بهره‌برداری از امکانات وجود خود، طبیعت و جامعه را به انسان می‌نماید.^{۱۶}

بنابراین التزام اعضای مختلف دانشگاه به شئون اسلامی برای اسلامی شدن دانشگاه کافی نخواهد بود، بلکه هم ساختار دانشگاه و هم کارکرد دانشگاه باید جهت‌گیری اسلامی داشته باشد. روشن است که تحصیل این علم متوقف بر پایداری به اصل «آیه‌نگری» می‌باشد. باید علم را به عنوان نشانه‌ها و آثار او دانست و در جستجوی آن بود.

مهم‌ترین ارتباطی که دین با علوم انسانی دارد در مسائل اخلاقی و به خصوص مبانی و مبادی اخلاق است. دین مکتب انسان‌ساز است و آمده است انسان را انسان بالفعل کند و او را به کمالات انسانی برساند. لذا علم اخلاق بیگانه از دین نیست. بر همین اساس، علم دینی علمی تعالی‌طلب است؛ درست برخلاف علم جدید که جز توسعه به چیزی نمی‌اندیشد و نزاع علم دینی با علم سکولار، نزاع تقدم تعالی‌طلبی بر توسعه‌طلبی است. علم جدید می‌خواهد انسان را موجودی توسعه‌طلب بار بیاورد، حال آنکه علم دینی می‌خواهد او به سمت تعالی حرکت کند؛ چرا که فلسفه آفرینش نیز همین است.

۲. تأثیرگذاری علم بر عالم (کارکرد مادی)

کارکرد مادی علم عبارت است از: شناخت طبیعت و بهره‌گیری از تسخیر عالم هستی در راستای رفاه اجتماعی، همچون علمی که به ذوالقرنین داده شد و کارهای شگرفی از جمله سد سازی و ... را انجام داد (کهف: ۸۳-۹۸) و با تولید علم و آموزش صنعت توسط پیامبران الهی مثل داوود (ع) بنیانگذار صنعت زره‌سازی (انبیاء: ۸۰)؛ آموزش صنعت کشتی‌سازی به نوح (هود: ۳۷)؛ علم ذوب و تکنولوژی مس توسط حضرت سلیمان (سبا: ۱۲) را نام برد. در تحقق دانشگاه اسلامی باید این کارکرد علم را در کنار کارکرد معنوی آن، در قالب خروجی‌های دانشگاه مشاهده کرد.

اما علوم جدید حقیقت‌جو نیستند و فرضشان بر آن نیست که به دنبال حقیقت اشیاء بروند. دانشمندان آنها هم ادعا نمی‌کنند که ما به دنبال شناخت حقیقت هستیم. بلکه آنچه علوم جدید

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

را در راه خود به پیش می برد، عزم بر تسلط طبیعت است و اصولاً بحث از علت فاعلی و غایی را امر غیرعلمی قلمداد می کنند. بنابراین، اگر کار علمی در پرتو جهان بینی الهی انجام شود، نتیجه اش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی بشر خواهد بود. ولی اگر در پرتو جهان بینی سکولار انجام شود، تضمینی بر مخرب نبودن آن نخواهد بود. تاریخ نیز این مطلب را نشان داده است که نظام های ارزشی روی جهت گیری های علوم تأثیر می گذارند.

۳. اقدامات جمهوری اسلامی در راستای اسلامی سازی دانشگاهها

مقایسه دست آورد علمی کشور با قبل از انقلاب

قبل از پرداختن به این موضوع مقایسه ای بین دستاوردهای علمی کشور در قبل و بعد از انقلاب ضروری است.

۱) فن آوری هسته ای

اکنون ایران در حوزه تولید انرژی هسته‌ای، به‌عنوان هشتمین کشور دارای چرخه کامل سوخت هسته‌ای در جهان مطرح می‌باشد و از این دانش در راستای اهداف صلح‌آمیز، طبق قوانین و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بهره می‌برد. متخصصان ایرانی در سال ۱۳۸۳ موفق به تولید گاز هگزافلوراید اورانیوم گردیدند و ایران به‌عنوان هشتمین کشور تولیدکننده این محصول استراتژیک دست یافت. هم‌چنین متخصصان ایران توانستند در ۲ فروردین ۱۳۸۵ به اورانیوم غنی‌شده ۳/۶ درصدی به صورت آزمایشگاهی دست پیدا کنند. به‌همین مناسبت روز ۲۰ فروردین هر سال «روز ملی فن‌آوری هسته‌ای» نام گرفت. این موفقیت، ایران را به باشگاه هسته‌ای جهان وارد نمود. ناگفته نماند که پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای در کشور شکل‌گرفته که به تربیت نیروهای متخصص دانشگاهی در زمینه علوم و فنون مربوط به گداخت، لیزر، اپتیک، کشاورزی و دامپزشکی، چرخه سوخت و... می‌پردازد. تونی بلر در مصاحبه خود با شبکه بی‌بی‌سی در سال ۱۳۸۲، مکنونات قلبی آمریکا و اسرائیل را در ماجرای فعالیت‌های مربوط به انرژی هسته‌ای ایران بیان کرد، وی با صراحت گفت: «ایران چون مخالف سیاست‌های اسرائیل در منطقه است، ما نمی‌خواهیم به فن‌آوری هسته‌ای مجهز شود. ما روند برنامه‌ریزی شده‌ای را برای تحت فشار قراردادن ایران در نظر گرفته‌ایم و آن را تا رسیدن به نتیجه ادامه خواهیم داد.

انرژی هسته‌ای یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین موضوعات بین ایران و دنیای غرب می‌باشد. در چند سال اخیر شاهد تقابل‌ها و برخوردها در زمینه فن‌آوری هسته‌ای ایران بوده‌ایم. فن‌آوری هسته‌ای ایران،

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

هراس غرب را مضاعف کرده و به آن دامن می‌زند. مقام معظم رهبری در مورد دستیابی به فناوری هسته‌ای می‌فرماید: «ملت ایران نیز مانند کشورهای مختلف، درصدد است انرژی مورد نیاز خود را از نیروگاه هسته‌ای تأمین نماید، چرا که در غیر این صورت، از قافله علم باز هم عقب خواهد ماند. بنابر این تلاش برای دستیابی به فناوری هسته‌ای و دیگر فناوری‌هایی که ایران را به اوج قله علم نزدیک کند، امری واجب و وظیفه ملی است و ملت و دولت ایران برخلاف خواست خائینی که اهداف آمریکا را دنبال می‌کنند، با پایداری در برابر فشارهای مراکز سلطه جهانی، این هدف اساسی را دنبال خواهد کرد.» تاریخ «آمریکایی‌ها می‌دانند که اگر ایران اسلامی و ملت ایران بر قله رفیع این فناوری بایستد، سخن حق او که دعوت به استقلال و عزت و سرافرازی است، در افکار عمومی جهان، به‌ویژه مسلمانان نفوذ بیشتری خواهد یافت.» تاریخ، در این راستا دانشمندان متعهد ایران اسلامی با ظرفیت‌سازی شگفت‌انگیز توانسته‌اند بر عرصه‌های مختلف علوم هسته‌ای صلح‌آمیز تسلط یافته و توانایی‌های بی‌نظیر خود را در جهان به نمایش بگذارند.

۲) صنایع نظامی

کشور اسلامی ایران که قبل از انقلاب تقریباً تمام تسلیحات نظامی خود را از خارج وارد می‌کرده، امروزه در زمره یکی از کشورهای تولیدکننده تسلیحات پیشرفته نظامی در جهان قرار گرفته و در کنار کشورهای پیشرفته مطرح شده است و تولیدات خود از جمله تولید محصولات الکترونیک و راداری را به بیش از ۳۰ کشور جهان صادر می‌کند. اکنون ایران در زمینه صنایع زرهی و ساخت انواع نفربر در بین ده کشور برتر دنیا قرار گرفته است. تلاش‌های ایران برای ساخت موشک‌های بالستیک با برد زیاد و توپخانه‌هایی با برد بالا را می‌توان به سه دوره زمانی تقسیم کرد. دوره اول بین سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۷ دوره دوم در خلال جنگ تحمیلی حوالی سال‌های ۸۸-۱۹۸۰ و دوره سوم بعد از جنگ در سال ۱۹۸۸ به بعد. از مرحله دوم به بعد ساخت موشک وارد فاز جدید شد و ساخت و طراحی موشک‌ها به تعداد بالا و هم‌زمان با شرایط خاص انجام گرفت. بعد از پایان جنگ، ایران کوشید به توسعه فناوری موشکی خویش بپردازد. برنامه موشکی ایران به سرعت پیش رفت و باعث حیرت جهانیان گشت.

به برخی از اقدامات انجام شده در صنایع نظامی اشاره می‌شود: «ساخت هواپیمای جنگنده آدرخش، طراحی و ساخت لانچر چهار موشکی با قابلیت شلیک هم‌زمان و تک‌تک، ساخت چرخ‌بال آموزشی و چرخ‌بال دو موتوره، طراحی و ساخت تانک پیشرفته ذوالفقار و راه‌اندازی خط تولید انبوه آن. ساخت تانک مدرن T۷۲، طراحی و ساخت خودرو تانک بر، ساخت انواع شناورها و یدک‌کش‌ها، ساخت زیردریایی و اسکله شناور ساخت موشک فاتح ۱۱۰ (از موفق‌ترین موشک‌های زمین به زمین در

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) /رضائی ورمزیار و شرفی

جهان) و موشک‌های دوربرد شهاب (با سرعت سه برابر موشک اسرائیلی)، راه‌اندازی خطوط تعمیرات اساسی و بازسازی هواپیمای نظامی و خودکفایی در زمینه‌های ساخت و یا تعمیر بسیاری از تجهیزات و قطعات نظامی که در جنگ الکترونیکی کاربرد دارد.

توسعه نظامی ایران سرافراز، نشان دهنده ی آن است که به رغم گستردگی تحریم‌های آمریکا این کشور نتوانسته به اهداف خود مبنی بر ضعیف نمودن و منزوی کردن کشورمان دست یابد و اقدامات دولت‌مردان غربی نتیجه عکس داده است. آن‌ها نه تنها نتوانستند بر هراس بنیادین خود فائق آیند، بلکه اقدامات آن‌ها از سویی و دست آوردهای علمی ایران از سویی دیگر بر هراس و وحشت آن‌ها افزوده است.

۳) صنایع موشکی و مخابراتی

امروز ایران به توان ساخت ماهواره دست یافته و وارد باشگاه چند کشور محدود پرتاب کننده ماهواره گردیده است. این موفقیت در حالی به دست آمده که جمهوری اسلامی در زمینه‌ی محصولات که قابلیت استفاده در صنایع موشکی و الکترونیک نظامی دارند، در تحریم به سر می‌برد تا جایی که گاه از فروختن یک IC یا چیپ ساده الکترونیکی به کشورمان جلوگیری می‌شود. ماهواره امید، نخستین ماهواره ساخت کشور ایران است که تمام تجهیزاتش در سازمان فضایی ایران طراحی و تولید شده است. این ماهواره بامداد ۱۵ بهمن ۱۳۸۷ و در سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب در مدار فضا قرار گرفت. ماهواره امید که کارکرد مخابراتی دارد، به همراه ایستگاه‌های زیر زمینی و پرتاب فضایی، نخستین سامانه فضای بومی ایران را تشکیل می‌دهند. ناسا تأکید کرد این پرتاب موفقیت آمیز بوده است. این ماهواره در اولین اقدام پیام صلح و دوستی ایران اسلامی را به زمین مخابره کرد. رهبر معظم انقلاب این موفقیت را نشانه درستی امیدهایی خواندند که انقلاب شکوهمند اسلامی در دل‌ها پدید آورده است.

نیویورک تایمز، به نقل از جفری فوردن از مؤسسه فن‌آوری ماساچوست نوشت: «ایران با وجود رویارویی مخالفت جهانی و تحریم‌های متعدد، به این مجمع منحصر به فرد (کشورهای دارای فن‌آوری ماهواره) پیوست.» وی حرکت ایران را یک شاهکار تکنولوژیکی توصیف کرد. دولت‌های غربی اعلام داشتند، ایران گام هراس انگیزی برداشته است. همچنین سخنگوی کاخ سفید، رابرت گیتس اظهار داشت: «عمل پرتاب ماهواره ما را متقاعد نمی‌کند که ایران به‌طور مسئولیت پذیرانه‌ای در حال پیشبرد ثبات و امنیت منطقه است. وزیر امور خارجه بریتانیا در پی این پرتاب، نگرانی‌های جدی خود را اعلام کرد. پرتاب آزمایشی موفقیت آمیز ماهواره بر سفیر امید ایران که راه را برای نشان دادن ماهواره ایرانی در مدار کره زمین هموار کرد، بازتاب‌های گسترده‌ای را در پی داشت. کاخ سفید در واکنش به پرتاب راکت

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

ماهواره بر سفیر امید ایران، آن را دردرساز خواند و افزود که این فن‌آوری می‌تواند برای پرتاب موشک‌های بالستیک به کار گرفته شود، رسانه‌های خبری غربی در انتشار این خبر تلاش کردند این دست‌آورد بزرگ علمی را تحت‌الشعاع مسائل سیاسی قرار داده، آن را مرتبط با برنامه‌های نظامی جلوه دهند؛ اما نشریه معتبر علمی نیوسانیتیست اعلام کرد: توانایی‌های ایران در زمینه علوم فضایی بسیار بیش‌تر از سطح توقع جهانی است. به‌رغم جنگ تحمیلی و تحریم‌های ۳۰ ساله، ایران راه توسعه و پیشرفت در صنایع موشکی و مخابراتی را در پیش گرفته است.

طراحی و ساخت ماهواره‌های جدید سنجش از دور در مراکز علمی و صنعتی کشور در ۱۲ اسفند ۱۳۸۷ برای کاربردهای مدیریت منابع طبیعی، هواشناسی و زمین‌شناسی گام علمی دیگری را رقم زده است. همچنین حضور در فضا در برنامه جامع ۱۰ ساله فضایی کشور دیده شده و مطالعات لازم برای اعزام فضانوردان ایران به فضا آغاز شده است. طراحی و ساخت ماهواره‌های دانشجویی، تحقیقاتی همچنین ماهواره با مأموریت‌های ارتباطی و سنجش از راه دور، از جمله دست‌آوردهای به دست آمده به واسطه تلاش جوانان غیور و بسیجی کشور است.

۴) فناوری نانو تکنولوژی

فناوری نانو تکنولوژی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای علمی بشر است. فناوری در حال توسعه نانو در سال ۲۰۰۷ جهش چشم‌گیری داشته است. به طوری که شکوفایی بسیاری از ایده‌های ابتکاری دانشمندان در این عرصه نوین را دانش‌بشری معرفی می‌کنند. فناوری نانو رشته‌ای از دانش کاربردی و فن‌آوری است که جسارت‌های گسترده‌ای را پوشش می‌دهد. موضوع اصلی آن نیز مهار ماده یا دستگاه‌های در ابعاد کم‌تر از یک میکرومتر معمولاً حدود ۱ تا ۱۰۰ نانو متر است. یک نانو متر یک میلیارد متر است. (این مقدار چهار برابر قطر یک اتم است). در مورد کاربردهای فناوری نانو می‌توان به کاربرد این فن‌آوری در زمینه مواد، پزشکی، بهداشت، داروسازی، الکترونیک و کامپیوتر، مهندسی، محیط زیست، بیوفناوری، دفاع، انرژی، کشاورزی، و بسیاری از صنایع مانند نساجی، فولاد، برق... اشاره کرد.

و اما در مورد این فن‌آوری در کشورمان باید گفت که در اسفند ۱۳۸۷، شرکت‌های ایرانی در نمایشگاه بین‌المللی «نانو فن‌آوری ۲۰۰۹ ژاپن در توکیو» حضور یافتند. در میان ۲۱ کشور حاضر در این نمایشگاه، جمهوری اسلامی ایران تنها کشور مسلمان است که توانسته در این نمایشگاه حضور یابد و دست‌آوردهای خود را در این عرصه که قابل رقابت با مشابه‌های خارجی است ارائه کند. این امر موجب عزت افتخار و غرور ماست که مشاهده می‌کنیم در بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نمایشگاه بین‌المللی مرتبط

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

با فن‌آوری نانو در جهان که با حضور ۲۱ کشور که ۲۰ کشور از این تعداد از جمله کشورهای درجه یک صنعتی و پیشرفته جهان هستند، جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها کشور اسلامی شرکت کننده در نمایشگاه و کشوری که توانسته خودش را در سطح کشورهای پیشرفته جهان از نظر علمی قرار دهد.

در حوزه سیاست‌گذاری نانو، دو هدف مدنظر است که یکی ارتقای کیفیت زندگی مردم و تولید ثروت و دیگری کسب جایگاهی در میان ۱۵ کشور اول دنیا در زمینه نانو است. در زمان شروع به کار ستاد نانو فن‌آوری در ایران، رتبه ایران در مقالات ۵۱ و در بین کشورهای اسلامی رتبه ۶ را داشت. در سال ۱۳۸۶ بین کشورهای اسلامی با پشت سر گذاشتن ترکیه به رتبه اول دست یافتیم و رتبه جهانی ما هم به ۱۹ ارتقاء یافت و حتی رژیم صهیونیستی را پشت سر گذاشتیم. در دوره پنج ساله اخیر بیش‌ترین نرخ رشد را در دنیا در حوزه انتشار مقالات نانو داشته‌ایم که این ناشی از سیاست‌های درست ما بوده است.

(۵) فن‌آوری سلول‌های بنیادی

در سال ۱۹۹۸ سلول‌های بنیادی جنینی انسانی تولید شدند و ایران بعد از آن در کم‌تر از چند سال توانست به این فن‌آوری دست یابد. به گفته کارشناسان فن‌آوری سلول‌های بنیادی به‌عنوان دومین انقلاب در زیست‌شناسی و پزشکی بعد از فن‌آوری زیست‌پدیده می‌شود. سلول‌های بنیادی در توسعه طب پیوند و درمان احتمالی بیماری‌های لاعلاج مؤثرند. هم‌چنین این سلول‌ها در توسعه داروسازی، ناهنجاری‌شناسی جنین‌ها و مطالعه عملکرد آن‌ها بسیار تأثیر گذارند؛ زیرا این سلول‌ها امکان مطالعه تکوین قلب، سامانه عصبی و... را در انسان و سایر پستانداران فراهم می‌کنند.

جایگاه علمی کشور پس از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی؛

در یک نگاه کلی می‌توان موارد زیر را در عرصه‌های پیشرفت علمی در ایران اسلامی ذکر نمود. میزان باسواد جمعیت ۶ ساله و بالاتر کشور، از ۲۸/۷٪ در سال ۱۳۵۵ به ۷۹/۵٪ در سال ۱۳۷۵ و به بیش از ۹۰٪ در سال ۱۳۹۱ رسیده است.

به گزارش خبرنگار دانشگاهی ایسنا، جمعیت آموزش عالی کشور در قبل از انقلاب صد و پنجاه هزار نفر بود که هم‌اکنون به چهار میلیون و ۴۰۳ هزار و ۶۵۲ در سال ۹۱-۹۰ افزایش یافته است.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

شمار دانشجویان کشور در مقطع کارشناسی به دو میلیون و ۸۹۸ هزار و ۶۰۵ دانشجو در سال ۹۱-۹۰، مقطع کارشناسی ارشد ۴۰۴ هزار و ۷۸۲، دکترای حرفه‌ای از ۴۰ هزار و ۲۲۳ نفر به ۵۲ هزار و ۹۷۳ و در مقطع دکترای تخصصی ۴۷ هزار و ۳۱۵ در سال ۹۱-۹۰ رسیده است. تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به ۲۴۷۱ در سال ۹۱-۹۰ رسیده است. تعداد مقالات نمایه شده ایرانی در مجلات معتبر بین‌المللی ISI 21 هزار و ۵۰۶ مقاله در سال ۲۰۱۲ رسیده است.

تعداد نشریات علمی پژوهشی به ۶۸۲ رسیده است.

رتبه رشد علمی در کشور قبل از انقلاب ۵۲ و هم اکنون ۱۷ می باشد

سرعت رشد علمی در قبل از انقلاب ۴۰ و هم اکنون اول می باشیم

هم اکنون رتبه کشور ما در المپیادهای علمی جز ده کشور جهان می باشد ولی در قبل از انقلاب رتبه ای در این زمینه نداشتیم.^{۱۷}

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان متولی اصلی اسلامی کردن دانشگاه‌ها اقدامات متعددی را در این زمینه انجام داده است که به برخی از آنها اشاره شود؛

الف - تصویب آیین نامه حفظ حدود و آداب اسلامی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که براساس آن دانشگاه‌ها ملزم به رعایت حدود اسلامی و پرهیز از اختلاط‌های غیرضروری در محیط‌های دانشگاهی گردیدند.

ب - تجدید نظر در اساسنامه جهاد دانشگاهی با رویکرد حذف وظیفه مشارکت این سازمان در اداره دانشگاه‌ها و تأکید بر انجام فعالیت‌های فرهنگی و تحقیقاتی به منظور اسلامی شدن دانشگاه‌ها

ج - تشکیل شورای اسلامی کردن مراکز آموزشی و تدوین آیین نامه اسلامی کردن مراکز آموزشی مهمترین وظایف این شورا عبارت است از؛ ۱- تدوین و پیشنهاد سیاست‌های مرتبط با اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲- تدوین راهبردهای مناسب برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی بر مبنای یافته‌های موجود و پژوهش‌های نوین، ۳- ارائه طرح‌ها و پیشنهاد‌های اساسی مؤثر در اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی به شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۴- نظارت بر اجرای صحیح مصوبات مربوط به اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، ۵- ارائه گزارش پیشرفت روند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی حداقل هر شش ماه

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

یک بار به شورای عالی انقلاب فرهنگی این شورا در خصوص دانشگاهها توجه به یکسری اصول عمومی و اصول اختصاصی دارد.^{۱۸}

اصول عمومی دانشگاهها

۱- اهتمام به علم و دانش و اعتقاد به تأثیر بنیادی و قطعی آن در اداره صحیح جامعه و تأمین رفاه و سعادت مردم و رشد و توسعه متوازن. ۲- اهمیت داشتن فکر و اندیشه و وجود آزادی برای تحقیق و نقد و بررسی آراء و نظریات گوناگون. ۳- داشتن پیوند با واقعیت‌های جامعه و توجه به جنبه‌های عملی و کاربردی اندیشه‌های نظری. ۴- داشتن آگاهی از مسائل و مباحث فکری و اجتماعی در عرصه سیاسی جامعه و مشارکت در صحنه زندگی اجتماعی و ایفای نقش در آن. ۵- شناخت سنتها و مفاهیم اخلاقی و ارزشی و فرهنگی جامعه.

اصول اختصاصی دانشگاه اسلامی

۱- دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن: بینش توحیدی بر تمامی شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم‌آموزی به منزله یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند. ۲- دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن: محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه و تعلیم نفوس ایجاد می‌شود و حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد. ۳- دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن: افراد در پرتو معارف اسلامی با احساس تعهد و مسئولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف ارزشهای اسلامی در فعالیتهای اجتماعی مشارکت می‌جویند.

د- تدوین سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزشی

اهم سیاستهای راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزشی عبارتند از:

۱. استاد:

۲. دانشجو

۳. نظام برنامه‌ریزی فرهنگی

۴. متون و برنامه‌ریزی درسی

۵. نظام برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی

۶. مدیریت

و- تشکیل کمیته هماهنگی آموزش‌های دینی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

به منظور تحکیم جایگاه آموزش‌های دینی، هماهنگی در سیاستها و روز آمد کردن روش‌های ارائه این آموزش‌ها و به طور کلی برای تحقق اهداف سیاستهای آموزش‌های دینی، این کمیته زیر نظر شورای اسلامی شدن تشکیل شده و به فعالیت مشغول است. از جمله این فعالیت‌ها تشکیل «کمیته تخصصی برنامه ریزی دروس معارف اسلامی» بوده است

ز- تشکیل ستاد گسترش و تعمیق اسلام در مراکز آموزشی

ریاست این ستادها با رئیس دستگاه است. آیین نامه ستاد مذکور به دستگاههای ذی ربط ابلاغ شده و این ستادها بر اساس آیین نامه خود به فعالیت مشغول‌اند و به صورت دوره‌ای در شورای اسلامی شدن به ارائه گزارش فعالیت‌های خود می‌پردازند. رعایت اصول حاکم بر دانشگاه‌ها و سیاستهای راهبردی مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها، آثار و نتایجی را به بار می‌آورد که به صورت شاخصهایی قابل بررسی و اندازه گیری است.

نقاط ضعف و موانع دانشگاه اسلامی

نقاط ضعف و موانع (به لحاظ فرهنگی)

(۱) ضعف اعتماد به نفس و خودباوری، تقلید و خودباختگی و حیرت زدگی در برابر تحولات جدید فرهنگ غرب،

(۲) وجود فاصله از معارف ملی و دینی،

(۳) فقدان فرهنگ علمی و فنی در جامعه و عدم دسترسی همگان به اطلاعات علمی و دینی،

(۴) ضعف علوم انسانی و اجتماعی در کشور،

(۵) اشاعه سودجویی در آموزش و پژوهش و استفاده ابزاری از علوم (مدرک گرایی)^{۱۹}

نقاط ضعف و موانع (به لحاظ سیاسی و اجتماعی)

(۱) نبود فرهنگ کار و خلاقیت جمعی و زاینده به دلیل حاکمیت تاریخی فرد و بی اعتمادی افراد نسبت به یکدیگر،

(۲) ضعف خرد جمعی و غلبه خرد فردی و فقدان ساختارهای عقلانی برای مواجهه با مسائل کشور،

(۳) نبود امنیت شغلی و منزلت اجتماعی و اقتصادی و پایین بودن ضریب امید به آینده،

(۴) ناکارآمدی نظام های موجود تحقیقاتی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی،

(۵) مفقود شدن حلقه پیوست دانشگاه و صنعت،

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) ارضائی و مرزبان و شرفی

- ۶) وجود فضای رعب و عدم تحمل افکار دگراندیشان در حوزه علوم، بیان افکار، آراء و عقاید،
- ۷) به‌روزی نبودن برنامه‌ها و رشته‌های آموزشی و عدم گسترش رشته‌های میان‌رشته‌ای،
- ۸) ضعف روحیه کار به صورت دسته جمعی،
- ۹) پایین بودن سطح آگاهی در اکثر اعضای هیأت علمی از اطلاعات روزآمد در رشته‌های تخصصی خود،
- ۱۰) افت کیفیت آموزشی و پژوهشی،
- ۱۱) ضعف تعاملات و همکاری‌های علمی - آموزشی و پژوهشی با مراکز علمی - تحقیقاتی سایر کشورها در ابعاد منطقه‌ای و جهانی،
- ۱۲) فقدان مدیریت علمی در کشور و غلبه مدیریت‌های تنگ نظر و کوتاه بین،
- ۱۳) عدم تأمین مادی و معیشتی محققان، استادان و دانشجویان و پژوهشگران و کارکنان،
- ۱۴) ضعف آینده‌نگری در پژوهش و انجام تحقیقات،
- ۱۵) بی‌توجهی به استعدادها و داوطلبان علاقمند به حوزه علوم،
- ۱۶) نارضایتی و سرخوردگی و برون‌گرایی نخبگان،
- ۱۷) فرسودگی و ناکارآمدی نظام اداری کشور در بخش‌های مختلف علمی پژوهشی و اجرایی،
- ۱۸) عدم تطابق محتوای برنامه‌های آموزشی - پژوهشی با نیازهای داخلی و تحقیقات جهانی،
- ۱۹) ناکارآمدی نظام آموزشی و تربیتی در سطح کشور،
- ۲۰) فقدان برنامه شفاف و جامع‌الاطراف برای توسعه علمی.^{۲۰}

نقش دانشگاه‌ها در پیشرفت کشور

با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی، عرصه آموزش عالی در کشورهای پیشرفته دنیا تغییر شگرف و بنیادینی را تجربه کرد. با احساس نیازی که در آن زمان به نیروی کار متخصص ایجاد شد، نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها در این کشورها به سمت تربیت نیروی کار برای بازار کار صنعتی و تخصصی و خدمات پیشرفته مورد نیاز جوامع خود رفت. در نتیجه نظامی شکل گرفت که بیش از گذشته با کارخانه‌های صنعتی و شرکت‌های خدماتی در ارتباط بود و در واقع نیروی کار آنان را تربیت می‌کرد. در کشورهای پیشرفته در چند دهه اخیریک رابطه معنادار و اصولی بین مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها با مراکز صنعتی و تولیدی و شرکت‌های خدماتی در زمینه تامین نیروی کار متخصص مورد نیاز برقرار است. به این شکل که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی سیستم آموزشی‌ای را در پیش

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

گرفته‌اند که بر مبنای نیازهای جامعه صنعتی خود دست به تربیت نیروی کار متناسب با آن چیزی که در بازار کار وجود دارند، می‌زنند و در تمامی برنامه‌ریزی‌های دولتی خود این امر را در نظر می‌گیرند. در واقع باید گفت که در کشورهای پیشرفته مقوله ارتباط صنعت و دانشگاه از این جنبه مهم است. در حقیقت بیشتر محققان به طور عمده در دانشگاه‌ها هستند، اما تحقیقاتی که در دانشگاه‌ها انجام می‌شود بیشتر جنبه نظری دارد تا کاربردی. در نتیجه تلاش بر این بوده است که به این تحقیقات جنبه کاربردی داده شود تا یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی سریعاً وارد بازار کار شود. تجربه این کشورها نشان داده است که اگر یک کشوری علمش را به فناوری تبدیل کند، دانشگاه و صنعت به طور اتوماتیک به هم وصل می‌شوند. در این زمینه لازم است مطالب و محتوای درس‌های عرضه شده در دانشگاه‌ها مطابق با نیازهای اساسی جامعه باشد و کسی که فارغ‌التحصیل می‌شود، حداقل چند مهارت قابل توجه فراگیرد تا اگر در صنعتی استخدام شد، مضمّن ثمر واقع شود و علاوه بر آن دانشگاه‌ها علاوه بر وظایف آموزشی و پژوهشی، وظایف مشاوره دادن به صنایع را نیز بر عهده بگیرند. در این شرایط است که می‌توان گفت یک نوع تعادل بین تربیت نیروی متخصص در دانشگاه‌ها و بازار کار محقق می‌شود. امادر کشورهای اسلامی که دارای فرهنگ و تمدن اسلامی می‌باشند به دنبال نتایج و دستاوردهایی فراتر از این موارد می‌باشند. کشور ما نیز بعد از انقلاب اسلامی و به دنبال آن با اسلامی سازی دانشگاه‌ها به دستاوردهایی در این حوزه دست یافته است که شامل این موارد می‌شود:

همراهی تعلیم و تهذیب در دانشگاه اسلامی

علمی که در دانشگاه اسلامی آموخته می‌شود علم اسلامی است، در دانشگاه اسلامی «علم» و «تهذیب» همراه هم هستند، ولی اگر دانشگاه به «تخصص» و «علم» بدون «تعهد» و «تهذیب» بپردازد و به دانش آموختگان خود فقط علم بیاموزد و به فکر اخلاق و تعهد او نباشد، نتیجه و خروجی این دانشگاه، دانشمندی است که نه تنها علمش مفید نیست، بلکه برای جامعه بشری نیز مضر است؛ همچنان که اکثر مشکلات جوامع امروزی ناشی از همین «علم» بدون «ایمان» و «تعهد» است.

تعلیم و تعلم علم اسلامی

دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن علم اسلامی آموزش داده می‌شود و منظور از علم اسلامی فقط علمی مثل فقه و فلسفه و یا سایر رشته‌های علوم انسانی نیست، بلکه علم اسلامی علمی است که انسان را در مسیر توحیدی قرار می‌دهد و در این باره همه علوم مشترکند.

خودباوری و اتکا به خود در بین دانشجویان

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

دانشگاه اسلامی افراد متخصص و متعهدی تربیت میکند که کشور را از وابستگی‌های علمی به اجانب نجات می‌دهد؛ هدف اصلی، رفع نیازهای کشور است. تعلیمات و علوم دیگران را وحی منزل نمی‌دانند، بلکه با دید نقادانه و انتقادی به علوم نگاه کرده و در جهت تولید علم بومی کوشش می‌کنند.

وجود آرامش در محیط دانشگاهی

اگر برای رشد افکار و رسیدن به اهداف یک دانشگاه خوب و اسلامی، نیاز به آرامش است و اگر افکار و عقاید گوناگون متعددی وجود دارند که طبیعتاً وجود دارند و عده‌ای می‌خواهند آنها را مطرح کنند، در دانشگاه اسلامی محیط مناسبی ترتیب داده شده است تا بیان‌کنندگان آن افکار و عقاید، ضمن طرح مواضع دقیق خود از لحاظ مکتب و عقیده، در محیطی آرام و با حضور متفکران اسلامی، به صحبت و بحث‌های علمی بپردازند.

تولید علم بر اساس نیاز جامعه

تولید علم وظیفه همه است. مسأله تولید علم در دانشگاه اسلامی به این معنا نیست که از یک‌یک مخاطبان بخواهیم تولید علم کنند؛ بلکه معنایش این است که این ارزش، هدف و حرکت جمعی که انگیزه‌های فردی در پی آن است بشود.

نواندیشی و جرات علمی

در دانشگاه اسلامی نو اندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کلّ محیط علمی هستند. البته برای نوآوری علمی که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر میشود دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرات علمی. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمیبرد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلاء نمی‌رساند. بنابراین جرات علمی لازم است. که در همین راستا اساتید و دانشجویان دانشگاه اسلامی به غیر از مقوله نواندیشی دارای جرات علمی نیز می‌باشند.

حاکم شدن مدیریت اسلامی در دانشگاه‌ها

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

مدیریتی که در دانشگاه‌های اسلامی باید حاکم می‌باشد مدیریت اسلامی است، که از لحاظ اصول و قوانین هیچ نوع وابستگی به شرق و غرب ندارد و بر پایه احکام دینی، قرآنی و احادیث اهل بیت می‌باشد.

اهتمام به فرهنگ دینی و تعمیق معرفت دینی

آنچه که در دانشگاه اسلامی در بعد فرهنگی بسیار پررنگ و چشم‌گیر به نظر می‌آید، فرهنگ دینی است. در شکل‌گیری تعمیق معرفت دینی در مسئولین و مدیران، اساتید و دانشجویان توجه وافر شده و به عنوان یک کار اساسی و اصلی در نظر گرفته می‌شود.

عدم تبعیض در دسترسی به منابع و امکانات آموزشی

در دانشگاه اسلامی، دانشجو و جوان و زن و مرد، از هر قشر و نقطه‌یی از نقاط کشور، بدون اعتنا به وابستگی‌های فAMILI و شخصی و قومی و منطقه‌یی و غیره، می‌تواند امیدوار باشد که بر عالم شدن، مؤثر شدن، مفید شدن برای کشور و تعیین‌کننده بودن در جهت حرکت مستقل و آزاد ملت خودش قادر است

مردمی بودن

در دانشگاه اسلامی به روی مردم بازمی‌باشد و دانشجو در محیط دانشگاه محصور نمی‌باشد. دانشجو با اعضای خانواده‌ی خود و با دوستانش، ارتباطات روشن‌گر داشته و در مسایل کشور و مسایل جامعه سهیم می‌باشد

محیط دینی و ایمانی

در دانشگاه اسلامی نماز، امانت، صدق‌گفتار، صفا، برادری، عمل جهادی، درس‌خواندن از روی علاقه و صمیمیت، کمک به یکدیگر در فراگیری، تلاش برای تعمق در معلومات و دانش‌های مختلف رایج باشد.

روابط بر اساس اسلام

در دانشگاه اسلامی روشها و روابط، اسلامی است یعنی روابط، باید روابط اسلامی باشد؛ مدیر و دانشجویمان و استادان، بر پایه اسلام می‌باشد و در تعاملاتشان اصالت را به اسلام می‌دهند.^{۲۱}

نتیجه‌گیری ارائه پیشنهادها

باتوجه به نکات مطرح‌شده میتوان دریافت که دانشگاه‌ها تقریباً در اکثر زیرساخت‌ها دارای مشکلاتی بوده و اکثر این زیرساخت‌ها معیوب می‌باشند. رشد تفکر جهانی، ارتباطات متقابل علمی، وابستگی سیاسی

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

که ریشه در نیازمندیهای علمی دارد و ایجاد شبکه‌های دیجیتالی و کثرتگرایی علمی می‌طلبد که ساختار آموزشی کشور تغییر داده شود. بر همین اساس راه کارهای کلی ذیل پیشنهاد میگردد. شایان ذکر است که این راه کارها می‌باید در چارچوب اقدامات اجرائی و ساز و کارها تجزیه گردد:

(۱) بسترسازی مناسب اقتصادی و افزایش بودجه آموزش عالی به خصوص در بخش تحقیقات و نظارت دقیق بر آن؛

(۲) ایجاد مجموعه‌های علمی - تخصصی و تیم سازی به صورت گسترده؛

(۳) اصلاح پدیده‌های فرهنگی معیوب با ریشه‌یابی دقیق و مبتنی بر تحقیقات کیفی؛

(۴) اصلاح ساختار اداری و سیاسی در ارتباط با توسعه علمی کشور؛

(۵) برگزاری کارگاههای آموزشی در جهت تغییر نگرش سیاست گذاری و پی بردن آنان به حساسیت علم و تولید آن در کشور؛

(۶) ایجاد فضای مناسب برای مطالعه و تحقیق محققین به جای آماده کردن فضا برای خروج آنها از کشور و ایجاد بستر مناسب جهت تحقیقات بین‌المللی و فراملی؛

(۷) تغییر سرفصلهای دروس دانشگاهی مطابق با نیاز روز ایران و جهان،

(۸) اصلاح ساختار آموزشی و پژوهشی در جهت تشویق خلاقیت، نوآوری و نبوغ،

(۹) تجهیز مراکز علمی و پژوهشی به منابع غنی علمی بخصوص در حوزه علوم انسانی،

(۱۰) اصلاح ساختار شهرکهای علمی و تحقیقاتی در راستای کشف و پرورش نبوغ و استعدادها.

(۱۱) تقویت فرهنگ کار و خلاقیت جمعی در عرصه تولید علم؛

(۱۲) تقویت هدفمند تعامل مراکز حوزوی و دانشگاهی؛

(۱۳) کم کردن فاصله علوم معارف دینی و علم روز؛

(۱۴) تقویت تعهد دانش و دانشگاهیان نسبت به عدالت و کرامت انسانی؛

(۱۵) سبب و تعمیق نگاه روشمند و حفظ استانداردهای علمی حوزوی و دانشگاهی؛

(۱۶) تقویت بنیه نقادی عالمانه در عرصه‌های علوم؛

(۱۷) تولید اندیشه و علوم اسلامی منطبق بر نیازهای جامعه؛

(۱۸) تولید علم و نظریه پردازی مبتنی بر مبانی اسلامی؛

راهکارها و راهبردها

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

- ۱) نقش «کنترل» تحقیقات توسط وزارتخانه مربوط به نقش «هدایت» تحقیقات تبدیل گردد. (زیرا کنترل یک مؤسسه تحقیقاتی منجر به متحجر شدن و عملاً بی‌اثر شدن آن می‌شود).
- ۲) به نسل جوان واستعدادهای آنان بهاداده‌شود.
- ۳) آنچه در زمینه‌آشنایی نسل جوان با پژوهش قابل طرح است، شیوه‌آموزش می‌باشد. اگر شیوه‌آموزش همان شیوه پژوهش باشد، افراد با استعداد ضمن آشناسدن باشیوه پژوهش در طرح مباحث علمی، در طرح مناسب خود می‌توانند به پژوهش بپردازند.
- ۴) در زمینه ارتقا و گسترش پژوهش باید استادان را تشویق نمود تا در رشته‌های تخصصی با پژوهش‌های امروز و نظریات تازه آشنا شوند و بخشی از وقت آنها اختصاص به تحقیقات بنیادین و باید برنامه‌های آموزشی این دسته از استادان را محدود نمود.
- ۵) در افزایش بودجه تحقیقات باید اقدام جدی معمول شود.
- ۶) باید دلایل فرار مغزها، ناتوانی در پرورش استعدادها و ناتوان بودن در جذب نخبگان، روشن و نسبت به رفع مشکلات بر سر راه آنان اقدام گردد.
- ۷) باید در دانشگاه‌ها، شیوه‌آموزش به صورت شیوه پژوهش درآید و دانشجو خود به بررسی مباحث علمی ونحوه تدوین آن بپردازد و از این طریق با روش پژوهش آشنا شود و در هر مبحث اجزاء اصلی مثل نظریات، مفاهیم تازه، اصول و قوانین را قبل از حضور در کلاس مطالعه کند و آماده برای ارائه مبحث در کلاس باشد. در این صورت استعدادها رشد میکنند.
- ۸) برای استفاده از وجود نخبگان ایرانی مقیم خارج باید به دانشگاه‌ها اجازه داد تا بتوانند به صورت-های مختلف از وجود این افراد استفاده کنند.
- ۹) در زمینه مدیریت علمی بدون تردید باید از وجود مدیران دانشمند در سازمان‌های علمی استفاده نمود. در زمینه علمی، تجربه اهمیت دارد. تجربه به فعالیت حواس محدود نیست. فعالیت حواس تأثیراتی در اختیار ما قرار می‌دهند، تبیین، تفسیر - تشکیل مفهوم از امور محسوس کار ذهن و عقل آدمی است. اصولاً تجربه به معنای تأثیر متقابل فرد و محیط است.
- ۱۰) شکل آموزش علوم در درجه اول به چگونگی آموزش، ارتباط دارد. مشکل کتب درسی و تألیف کتاب درسی باید به وسیله متخصصان تعلیم و تربیت و علوم انجام گیرد و موضوعات تازه در کتابهای درسی گنجانده شود.

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

- (۱۱) در مقاله‌نویسی دانشجویان و انجام تحقیقات علمی به وسیله‌ایشان باید شیوه آموزش را تغییر داد. شیوه پیشنهادی اساس آموزش و چگونگی تدوین مباحث علمی است. آگاهی از نحوه تدوین مباحث علمی، دانشجو را به روش تحقیق آشنا می‌سازد.
- (۱۲) تشکیل گروه‌های علمی از متخصصان، ترغیب آنان به مطالعه مباحث روز در محافل علمی جهان و تشویق آنان به تحقیقات بنیادی، زمینه ارتقاء سطح علمی کشور را فراهم می‌سازد.
- (۱۳) شیوه تربیت دانشجو، از سیستم «معلم محوری به سوی آشنا کردن دانشجو با منابع و باز نگاهداشتن نظام تربیتی» تغییر داده شود.
- (۱۴) در زمینه کمک به نسل جوان، برای فهم جهان، مشارکت آنان در امور اجتماع، تقویت ارزشهای اجتماعی، تفکر را ثروت اصلی تلقی کردن، باید گامهای مؤثر و جدی برداشته شود.
- (۱۵) دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی باید سعی کنند برای تحقق رشد تفکر و نوآوری در جامعه و برای رویارویی با مشکلات اجتماعی از طریق رقابت سالم، رشد علوم، تحقیقات و فناوری را فراهم کنند.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

منابع

- (۱) استیس، دین و نگرش نوین، ص ۱۰۶-۱۰۸.
- (۲) ایان باربور، علم و دین مترجم بهاء‌الدین خرم شاهی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۲
- (۳) جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، نشر اسراء، ۱۳۸۶
- (۴) چالمرز، چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ص ۱۴-۲۸.
- (۵) خبرگزاری ایسنا
- (۶) دانپورت، تامس، اچ، رنس، پروساک، ۱۳۷۹. مدیریت دانش، ترجمه رحمان سرشت، حسین، تهران، نشر سایکو.
- (۷) دیدار مدرسان و طلاب حوزه علمیه قم و دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه آذر ۵۹
- (۸) رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۶. توسعه و تضاد. کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- (۹) صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، مجلدات ۱۱ الی ۲۱
- (۱۰) مظاهری سیف، معرفت، ۸۷.
- (۱۱) هاشم زهی، نوروز ، خلجی، عباس (۱۳۸۸). نشریه: علوم انسانی ، دانشگاه اسلامی ، پاییز ۱۳۸۸ - شماره ۴۳
- (۱۲) <http://forsat1.blogfa.com/post-4.aspx>
- (۱۳) <http://gzn.isu.ac.ir/details.aspx?>
- (۱۴) <http://www.rasekhoon.net/article/show-3654.aspx>

مولفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) / رضائی و مرزبان و شرفی

یادداشت‌ها :

- ۱) غلامعلی افروز (۱۳۸۱) فرایند اسلامی شدن دانشگاهها فصلنامه دانشگاه اسلامی شماره ۱۵
- ۲) صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۱۸۷
- ۳) هاشم زهی، نوروز، خلجی، عباس (۱۳۸۸). نشریه: علوم انسانی، دانشگاه اسلامی، پاییز ۱۳۸۸ - شماره ۴۳
- ۴) گزیده سخنرانی مقام معظم رهبریدر دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان به مناسبت روز وحدت (۶۹/۹/۲۸)
- ۵) پایگاه اینترنتی راسخون - دیدگاه‌ها - نوآوری - از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
- ۶) پایگاه اینترنتی مشرق نیوز - خدیجه کدخدایی - عضو هیات علمی پژوهشگاه خانواده و زندگی
- ۷) هاشم زهی، نوروز، خلجی، عباس (۱۳۸۸). نشریه: علوم انسانی، دانشگاه اسلامی، پاییز ۱۳۸۸ - شماره ۴۳
[8http://gzn.isu.ac.ir/details.aspx?](http://gzn.isu.ac.ir/details.aspx)
۹. ک: چالمرز، چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ص ۱۴-۲۸.
- ۱۰ استیس، دین و نگرش نوین، ص ۱۰۶-۱۰۸.
- ۱۱ یان باربور، علم و دین، ص ۲۰.
- ۱۲ (دیدار مدرسان و طلاب حوزه علمیه قم و دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه آذر ۵۹)
[13http://rasekhoon.net](http://rasekhoon.net)
- ۱۴ صحیفه نور، مجموعه آثار، ۱۹ / ۵۵۱.
- ۱۵ جواد آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۶.
- ۱۶ مظاهری سیف، معرفت، ۸۷.
- ۱۷ خبرگزاری ایسنا
- ۱۸ هاشم زهی، نوروز، خلجی، عباس (۱۳۸۸). نشریه: علوم انسانی، دانشگاه اسلامی، پاییز ۱۳۸۸ - شماره ۴۳
- ۱۹ رفیعپور، فرامرز، ۱۳۷۶. توسعه و تضاد. کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۰ دانپورت، تامس، اچ، رنس، پروساک، ۱۳۷۹. مدیریت دانش، ترجمه رحمان سرشت، حسین، تهران، نشر سایکو.
[21http://forsat1.blogfa.com/post-4.aspx](http://forsat1.blogfa.com/post-4.aspx)